

هر کاری از ما سر بزند که بخواهیم خودمان را در چشم دیگری نیرومند نشان دهیم، به راستی، از دیدگاه آن فرد، ناتوانی به شمار می آید.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار و دویست و هشتادم یکشنبه ۳۱ حمل / فروردین ۱۳۹۳ ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۳۵ ۲۰ اپریل ۲۰۱۴

شکست‌های پی‌هم آقای کرزی در ۱۶ حمل

دومین شکست آقای کرزی زمانی خود را نشان داد که او عملاً از نامزد خاصی حمایت کرد و نه تنها حمایت کرد، که دیگران را نیز مجبور به حمایت از این نامزد خاص ساخت، آن هم به گونه‌یی که عده‌یی به زور و برخی هم با تطمیع و تهدید در کنار نامزد مورد حمایت آقای کرزی قرار گرفتند. آقای کرزی با توجه به امکانات شخصی و دولتی خود و ایجاد فضای توهم نسبت به یک نامزد خاص، می‌خواست او را برنده انتخابات سازد و در واقع خودش برنده شود. این نامزد خاص به دلیل رای پایین و ناچیز، حالا نمی‌تواند پیروز انتخابات شود. با این شکست، آقای کرزی طرح تازه‌یی را به‌راه انداخته است و آن، بالا کشیدن نامزد بی‌رای ولی مورد حمایتش در نتیجه پایین آوردن آرای برخی نامزدان پیشین است. آقای کرزی دست‌کم می‌خواهد در این طرح شکست آن‌چنانی نخورد و نامزد مورد حمایت خود را در صورت رفتن انتخابات به دور دوم، وارد این دور سازد

صفحه ۶

حکومت با درجه‌بخشی ولایت‌ها عادلانه برخورد کند

صفحه ۶



نهادهای نظارت‌کننده انتخابات:

ما از پروسه نظارت کرده نمی‌توانیم

هارون مجیدی

نهادهای نظارت‌کننده انتخابات، از کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی خواسته‌اند که اجازه دهند ناظران آن‌ها از جریان شمارش آرا و اعلام نتایج نظارت کنند. آنان هم‌چنان می‌گویند، حضور ناظرین در انتخابات ۱۶ حمل ۱۳۹۳ سبب شد تا از تقلب سازمان‌یافته در این پروسه، جلوگیری شود. اما آنان می‌گویند که کارشان در روند شمارش آرا، به دلایلی معیاری و مسلکی نیست. فهمیم نعیمی سخنگوی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) می‌گوید: ناظرین و مشاهده‌ین دو

مرحله از مجموع هفت مرحله‌یی که برای شمارش آرا در نظر گرفته شده است را می‌توانند نظارت کنند.

آقای نعیمی افزود، براساس اصول حاکم در کمیسیون انتخابات، نهادهای ناظر در این زمینه بیش از این نمی‌توانند نظارت داشته باشند. سخنگوی فیفا بیان داشت، خواهش ما از کمیسیون انتخابات این است که روشی را طرح کنند تا مزاحمتی برای کارمندان کمیسیون نباشد و شفافیت انتخابات نیز تضمین گردد.

آقای نعیمی تصریح کرد، در مرکز ملی شمارش آرا که یک ساحه بسیار بزرگ است، شمار



زیادی از کارمندان کمیسیون انتخابات در عقب کمپیوترهای خود نشسته و مصروف وظایف‌شان هستند و در همین محل برای ناظرین و مشاهده‌ین تنها یک استیژی...
ادامه صفحه ۶

پاکستان راتلونکی ولسمشر تپرباسی

عرفان مومند



د ولسی جرگې ځینې غړي او د سیاسي چارو کارپوهان وایي، چې د وسله والو ډلو له ملاتړه د پاکستان د لاس اخیستو په اړه د هغه هېواد د سنارانو غوښتنو ته به د پاکستان دولت مثبت ځواب ونه وایي او عملي به نشي. هغوی وایي، دا غوښتنې تر ډېره د طالبانو ترمنځ اختلافاتو او د پاکستان په گټو پورې اړه لري. کارپوهان دغه غوښتنه راتلونکی افغان ولسمشر ته یو زرغون څراغ بولي. د ولسي جرگې غړي ډاکټر نقيب الله فایق ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، له ډېر وخته له پاکستان سره د افغان ولسمشر او نورو چارواکیو ناستو په افغانستان کې د سولې او ثبات راوستني سره مرسته ونه کړه. هغه وایي، له همدې امله ده چې اوس د پاکستان هر اقدام ته افغانان د شک په سترگه گوري. د ده په وینا، دا چې پاکستان هم اوس د ترهگری د اور په لمبو کې سوځي، وژني او تښتوني په کې پیل شوي دي، نو ښایي د پاکستان خلکو او سناتورانو دا درک کړي وي، چې په افغانستان کې د نا امنۍ له امله پاکستان نا امنه شوی دی. ښاغلي فایق وویل، اوس په پاکستان کې خلکو ته نا امنی او ترهگری د منلو وړ نه ده؛ نو د دې لپاره غواړي پر خپل

شماری از نماینده‌گان مجلس: وزیر تحصیلات عالی فراخوانده شود

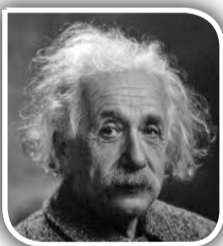


اعضای مجلس نماینده‌گان از مقام‌های وزارت تحصیلات عالی خواستند تا مشکلات ورودی‌های جدید به دانشگاه‌های کشور را حل کنند. ذکیه سنگین عضو مجلس نماینده‌گان در نشست عمومی روز شنبه این مجلس به برخی مشکلات دانشجویانی که تازه به دانشگاه‌های عالی و نیمه عالی راه یافته‌اند اشاره کرد و خواستار حل...
ادامه صفحه ۷

در برگ‌ها



رییس‌جمهور جدید افغانستان و سفارت خالی ایالات متحده



علم و فناوری مدرن در نگاه اینشتین



گفتمان مادری در ادبیات آمریکا، اواخر قرن بیستم



بی‌کاری به یک بحران بزرگ تبدیل می‌شود!

ادامه صفحه ۷

رییس جمهور جدید افغانستان

و سفارت خالی ایالات متحده



نویسنده: گوردن لوبورد

امسال، تا حد زیادی رابطه می‌گیرد با سیاست نیروی انسانی وزارت امور خارجه آمریکا در مورد افغانستان. برخلاف دیگر جاها که دوره‌های دو و یا سه‌ساله معمول است، دولت آمریکا دیپلمات‌هایش را در افغانستان پس از یک سال تعویض می‌کند. در حالی که از ارتش ایالات متحده نیز به‌خاطر دوره‌های کوتاه‌مدت انتقاد شده است، اما این سیاست وزارت امور خارجه است که طی سال‌ها مورد نكوهش بوده است، چون تصور بر این است که دیپلمات‌ها می‌توانند نفوذ بیشتری بر بخش‌های وسیع دولت کابل داشته باشند.

یک مقام وزارت امور خارجه در ایمیلی گفته است، در حالی که دوره‌های یک ساله در افغانستان دوام می‌یابد و بسیاری از دیپلمات‌ها کابل را در تابستان امسال ترک خواهند کرد، اما این وزارت تلاش می‌کند خلایق در روابط دیپلماتیک به وجود نیاید. این مقام می‌افزاید، «هر زمانی که قدرت سیاسی به دولت جدید افغانستان انتقال یابد، ما آمده استیم تا به طور کامل با دولت جدید روی طیف وسیعی از مسایل دو جانبه تعامل کنیم.»

اما مقامات فعلی و سابق بر این باور نیستند و می‌گویند وزارت خارجه، فرهنگ بوروکراتیک خود را، بدون توجه به شرایط، کورکورانه دنبال می‌کند. یک سفیر پیشین دیگر می‌گوید، وزارت خارجه باید دست‌کم در حال حاضر، برنامه دوره‌های یک‌ساله را کنار بگذارد.

بسیاری بر این باورند که دوره‌های خدمت کوتاه‌مدت مقامات ایالات متحده در افغانستان، به طور کل، به خرابی روابط میان واشنگتن و کابل کمک کرده است. کرسی طی سال‌ها میزبان مقامات متعدد ایالات متحده بوده است، از وزرای مختلف خارجه، تا وزرای دفاع، فرماندهان نظامی، و دو رییس جمهور، اما آمریکا هرگز قادر به معرفی یک فرد مورد اعتماد به کرسی نشد؛ کسی که بتواند رابطه طولانی‌مدت با او برقرار نماید. در حالی که رییس جمهور جورج بوش، اغلب با حامد کرسی صحبت می‌کرد، باراک اوباما، با رییس جمهور افغانستان با بی‌تفاوتی برخورد می‌کند و این دو کمتر با همدیگر صحبت کرده‌اند.

منبع:

<http://thecable.foreignpolicy.com/>

the_afghanistan_brain_drain/13/04/2014/posts

دیپلمات‌های امریکایی در افغانستان چیزی نمی‌گویند، اما یک مقام امریکایی گفت، در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ دیپلمات در سفارت ایالات متحده در کابل حضور دارند، که شمار بیشتر آن‌ها تا تابستان امسال این کشور را ترک خواهند گفت.

به عنوان نمونه، اگر یک دفتر سفارت امریکا در کابل را در نظر بگیریم: حدود ۲۰ مأمور در بخش سیاسی و اقتصادی سفارت مشغول کار هستند. مأموران این بخش معمولاً افراد باتجربه و کارکشته‌ی استند که به‌طور مستقیم با دولت افغانستان کار می‌کنند. به عنوان بخشی از تغییر و تبدیل که در تابستان در کابل صورت می‌گیرد، بیشتر این مأموران تابستان امسال از افغانستان خارج می‌شوند.

هم‌زمان با این، انتظار می‌رود جیم کینگهام، سفیر ایالات متحده در کابل نیز، پس از دو سال خدمت تا چهار پنج ماه دیگر افغانستان را ترک بگوید. تأیید جایگزین او در دست مجلس سنا است که با در نظر داشت کشمکش میان جمهوری خواهان و اوباما، خالی ماندن این کرسی برای چند ماه دور از انتظار نیست.

مقامات کنونی و سابق آگاه به این وضعیت می‌گویند، همه این‌ها هر گونه نفوذ واشنگتن به دولت جدید در کابل را سخت‌تر می‌سازد.

رونالد نیومن، سفیر امریکا در افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷، می‌گوید هنوز به طور کامل روشن نیست که واشنگتن می‌خواهد چه نوع رابطه‌ی با دولت جدید افغانستان داشته باشد و چه‌گونه آن را می‌خواهد مدیریت کند. اگر قرار است ایالات متحده رابطه مثبت با کابل داشته باشد، خارج کردن هم‌زمان بسیاری از دیپلمات‌های باتجربه از افغانستان، به ویژه دیپلمات‌های ارشد، کوتاه‌بینانه است. یک مقام ایالات متحده، این مسأله را صریح‌تر توضیح داد: حذف دیپلمات‌های کارکشته و جایگزینی آن‌ها با مأموران کم‌تجربه در چنین زمان حساس، در روابط ۱۳ ساله واشنگتن با کابل معنا ندارد.

یک مقام امریکایی که نخواست نامش فاش شود، گفت «دیپلمات‌های کم تجربه، روابط ما با دولت جدید در کابل را آسیب خواهند زد. کابل در تابستان ۲۰۱۴، در وضعیت بی‌پیشینه‌ی قرار خواهد داشت، بهتر است تیمی در افغانستان باشد که با وضعیت و بازیگران آشنایی داشته باشد.»

تخلیه کابل از مغزهای دیپلماتیک در تابستان

برگردان به فارسی: عماد عابدی/روزنامه ماندگار

انتظار می‌رود سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری افغانستان تا تابستان امسال مشخص شود و ایالات متحده و دولت جدید کابل، روابط خود را آغاز کنند. اما مقامات کنونی و پیشین دولت امریکا می‌گویند، در این برهه حساس، ایالات متحده با فرار مغزهای دیپلماتیک روبه‌رو شده که پیشبرد اهداف سیاسی این کشور را چالش برانگیز ساخته است.

حامد کرسی پس از ۱۲ سال روابط متلاطم با امریکا، کاخ ریاست جمهوری را ترک می‌گوید، و به باور بسیاری از مقامات کنونی و سابق، این یک فرصت ویژه را برای تعریف مجدد روابط کابل - واشنگتن فراهم می‌سازد.

اما محقق شدن این امر ممکن است مشکل باشد. تا پایان دور دوم انتخابات و مشخص شدن جانشین کرسی، بیشتر کارمندان غیر نظامی تراز بالا و میانه ایالات متحده که دانش و تجربه عمیق آن‌ها از افغانستان به تقویت روابط قوی با دولت جدید کمک می‌کند، افغانستان را ترک خواهند گفت، و جای آن‌ها را دیپلمات‌های کم‌تجربه خواهند گرفت.

مقامات کنونی و پیشین امریکا ادعا می‌کنند که در چنین وضعیتی، سفارت امریکا به‌خوبی نخواهد توانست دولت جدید را در مبارزه با فساد و جلوگیری از رکود اقتصادی کمک کند، و یا مسایل مربوط به نیروهای نظامی‌بی‌را که پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی می‌مانند، به‌درستی پیش ببرد.

هر سه نامزد پیش‌تاز ریاست جمهوری افغانستان گفته‌اند که در صورت پیروزی در انتخابات، توافق‌نامه امنیتی دوجانبه را امضا خواهند کرد. این توافق‌نامه زمینه حضور نیروهای امریکایی را در افغانستان پس از سال ۲۰۱۴، بدون در نظر داشت وضعیت نیروی انسانی وزارت امور خارجه امریکا در کابل، فراهم می‌کند. یکی از مقامات ایالات متحده گفت که نگران پیامدهای گسترده‌تر حضور یک هیأت دیپلماتیک کم‌تجربه در کابل است، آن‌هم در حالی که دولت جدید افغانستان خود با مشکلات و چالش‌های مهم‌تری دست به گریبان خواهد بود.

وزارت امور خارجه امریکا، در مورد تعداد

سخن ماندگار

مرا زخیر تو امید نیست شر مرسان

تجارب نشان می‌دهد در کشورهایی که نظام‌سازی به صورت بنیادین در آن‌ها شکل نگرفته، همه‌چیز به کف روی آب می‌ماند که حتا با وزش یک نسیم می‌تواند نابود گردد. نظام‌ها در این کشورها بیشتر صوری‌اند و هر گاه، یک چالش بزرگ فراراه این نظام‌ها پدید آید، همه سیستم از هم می‌پاشد و نظام‌داران برمی‌گردند به نقطه آغازین.

شاهد این ادعا می‌تواند افغانستان باشد؛ کشوری که نظام‌سازی پس از جنگ در آن از سال ۱۳۸۱ آغاز شد، اما نظام‌سازان ناشی این کشور چنان با مسایلی چون فساد، تعلقات قومی، ایدیولوژیک، ناکارایی و... درگیر بودند که هیچ‌یک از سیستم‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... را نتوانستند درست و اساسی پی بریزند. بنابراین، وقتی یک اتفاق ساده سیاسی رخ دهد، تاوان تقصیرهای سیاسی نظام‌داران را همه مردم می‌پردازند.

این مقدمه برای آن آمد که در همین روزها، وقتی اوضاع سیاسی با انتخابات به هم ریخته، کمتر کسی به فکر عبور از این بحران است، بل تصور آن است که اگر این انتخابات به نتیجه نرسید، دوباره باید به سمت حکومت موقت و انتخابات جدید رفت. در این میان، برخی از چهره‌ها بیشتر فعال‌اند؛ آن‌هایی که در چند سال گذشته، در سر هر بزنگاهی ناگهان پیدای‌شان شده و درباره سرنوشت سیاسی کشور ابراز نظر نموده و گاهی هم تصمیم گرفته‌اند. چهره‌هایی چون ستار سیرت و زلمی خلیل‌زاد که بیشتر یا تمام عمرشان را در کشورهای بیگانه سپری کرده‌اند و شهروند همان کشورها هستند. آن‌ها به اندازه‌ی خود را صاحب این مملکت می‌پندارند که در حساس‌ترین شرایط سیاسی هم به خود حق می‌دهند ابراز نظر کنند، استخاره کنند و راه‌حل پیشنهاد دهند.

ورود این افراد در بیهوده انتخابات از اول هم پرسش‌برانگیز بود، اما اینک کاملاً روشن شده است؛ طوری که آقای ستار سیرت در یک نشست رسانه‌ی بخشی از سوالات را پاسخ داد. آقای سیرت کمیسیون‌های انتخاباتی را عامل بحران فرض کرده و حکومت سیزده سال گذشته را غیرقانونی خوانده است. او هم چنان گفته است که در نشست بن اول، آرا بیشتر به سود او بوده، اما مصلحت را رعایت کرده و اجازه داده حامد کرسی به جای او بر تخت نشیند. اکنون اگر هیچ‌یک از نامزدان رای مناسب را به دست نیاورند، باید برای تشکیل حکومت ایتلافی آماده گردند.

اکنون مشکل اصلی این‌جاست که ما ثبات سیاسی نداریم و در سیزده سال گذشته نظام سیاسی ما مثل تمام عرصه‌های دیگر، بر بنیاد منفعت‌های شخصی و گروهی شکل گرفته است. همین نکته باعث می‌شود که افرادی چون زلمی خلیل‌زاد و ستار سیرت به همین ساده‌گی در تلاش تغییر ذهنیت مردم برآیند.

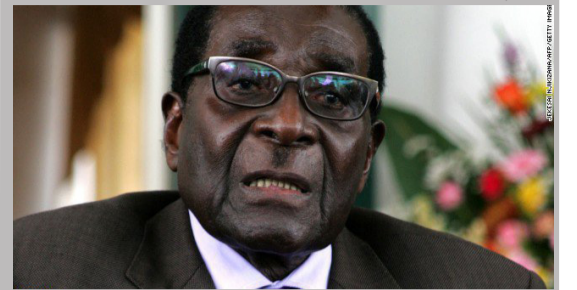
حال آن‌که اگر کمیسیون‌های انتخاباتی اصل امانت‌داری و وظیفه ایمانی و وجدانی‌شان را رعایت کنند، انتخابات به دور دوم نخواهد رفت و اصلاً مجالی برای آن‌ها که خیال حکومت موقت و انتقالی را در سر می‌پروراند، وجود نخواهد داشت.

مردم یک بار به انتخابات رفته‌اند و رای داده‌اند و رییس جمهور مورد نظرشان را هم انتخاب کرده‌اند.

اما به نظر می‌رسد آنانی که سال‌های سال در کشورهای غربی عمر به سر کرده‌اند و از درد و رنج مردم به دور بوده‌اند، زمینه را مساعد دیده، آمده‌اند تا ذهنیت مردم را تغییر دهند. این جماعت نه از مردم افغانستان‌اند و نه هم از درد آنان آگاه. این جماعت آمده‌اند تا چانس خود را برای سالاری بر مردم بیازمایند. بی‌تردید که در تحقق این آرزو، برخی از کشورها نیز آن‌ها را همراهی می‌کنند. بنا براین مهمان ناخوانده می‌گویم که مرا زخیر تو امید نیست شر مرسان.

بنابراین، تقاضای مکرر از کمیسیون‌های انتخاباتی آن است تا نتیجه حقیقی آرای مردم را اعلام کنند و به افراد تقلب‌کاری که به سود نامزدان مشخص فعال‌اند، مجال ندهند تا نشود رویای آن‌هایی که خواب حکومت بدون انتخابات را بر مردم می‌بینند، محقق گردد!

انتقاد شدید موبابو از اروپا: اروپای امروز هیچ قانون و قاعده‌ی ندارد



رئیس‌جمهوری زیمبابوئه از همجنس‌گرایی در اروپا انتقاد و عدم تایید دولتش توسط اروپایی‌ها را محکوم کرد. به گزارش پایگاه خبری اسکای نیوز، رابرت موبابو، رئیس‌جمهوری زیمبابوئه که اروپایی‌ها پیروزی‌اش در انتخابات سال ۲۰۱۳ زیمبابوئه را همراه با ارباب و تقلب گسترده می‌دانند، در بزرگداشت سی و چهارمین سالگرد استقلال از انگلیس گفت: اروپای دیروز دیگر وجود ندارد و اروپای امروز هیچ قانون و قاعده‌ای ندارد. موبابو که از زمان استقلال زیمبابوئه رهبر این کشور بوده است، گفت که اروپا هیچ‌گاه دولت او را نخواهد پذیرفت. وی با اشاره به همجنس‌گرایی در اروپا تصریح کرد: اروپایی‌ها چیزی را که طبیعی است، غیر طبیعی کرده‌اند و می‌گویند این اتفاق غیر طبیعی، طبیعی است. اروپا ما و اوگاندا را برای رد قانون ازدواج همجنس‌گرایان رد می‌کنند. وی در نهایت گفت: بگذارید این مهمات همجنس‌گرایی در اروپا باقی بماند و به آفریقا کشیده نشود.

مرحله‌ی حساس

در جست‌وجوی هوایمی مالی



عملیات تجسس هوایمی مالی، پرواز MH۳۷۰، طی دوروز آینده در یک محدوده بسیار حساس انجام خواهد گرفت.

به گفته هشام الدین حسین، وزیر موقت حمل و نقل مالی، زیردریایی بدون سرنشینی که به اعماق اقیانوس فرستاده شده است برای رفتن به عمق بیشتری از اقیانوس تنظیم خواهد شد.

زیردریایی بی سرنشین بلوفین ۲۱ تاکنون شش ماموریت انجام داده که نتیجه‌ی در برداشته است.

این زیردریایی در یک شعاع ده کیلومتری در محل دریافت سیگنال‌های قبلی در بستر اقیانوس هند سرگرم جستجو است و با داشتن دستگاه دریافت سیگنال در آب می‌تواند از بستر اقیانوس نقشه‌برداری کند.

بلوفین ۲۱ تا عمق ۴۵۰۰ متری دریا رفته است ولی حال قرار است برای رفتن به عمق ۶۶۹۵ متری تنظیم شود.

پرواز MH۳۷۰ هوایمی مالی در روز ۸ مارچ با ۲۳۹ سرنشین از کوالالمپور راهی پکن بود که ناپدید شد.

آقای هشام الدین حسین گفت که برای پی بردن به سرنوشت هوایمی گم شده عملیات تجسس طی دو روز آینده نقش مهمی خواهد داشت.

تحلیل اطلاعات ماهواره‌ای نشان می‌دهد که آخرین موقعیت هوایمی در غرب بندر پرت استرالیا بوده است. تاکنون معلوم نشده است که چرا هوایمی مالی به ناگهان تغییر مسیر داده است و هیچ یک از فرضیه‌های مطرح شده در این باره به اثبات نرسیده است.

پزشکان پادشاه عربستان را جواب کردند



پادشاه عربستان به علت ابتلا به بیماری سرطان رو به احتضار است. به نوشته روزنامه ورلد تریبون، یک گروه تحقیقاتی مخالف حکومت عربستان اظهار داشت: در معاینات به عمل آمده از ملک عبدالله، پادشاه عربستان بیماری وی سرطان ریه تشخیص داده شده است. موسسه تحقیقاتی امور خلیج فارس واقع در واشنگتن به نقل از برخی منابع در عربستان و امریکا گزارش داد پزشکان ملک عبدالله را جواب کرده و به او گفته‌اند تا پایان سال ۲۰۱۴ می‌میرد. این موسسه خاطر نشان ساخت: تیم پزشکان به ملک عبدالله گفته‌اند تنها شش ماه دیگر زنده می‌ماند.

این موسسه در بیانیه‌ی در ۱۷ اپریل تصریح کرد: ملک عبدالله از سرطان ریه رنج می‌برد. براساس این بیانیه، ملک عبدالله که یک سیگاری قهار است در جریان دیدار اخیر خود با باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا در تاریخ ۲۸ مارچ دستگاه تنفسی داشته است.

راچل هرترمن، تحلیل‌گر سیاسی این موسسه اظهار داشت: با توجه به این که ملک عبدالله تنها چند ماه دیگر زنده خواهد ماند موج اخیر تعیین جانشین‌ها شگفت‌آور نبود. به گفته این موسسه وخامت حال پادشاه عربستان موجب شد که انتصابات اخیر در این کشور رخ دهد.

ملک عبدالله که براساس گزارش‌ها بین ۹۰ تا ۹۸

مشرف به کراچی می‌رود

یک منبع خبری در پاکستان اعلام کرد احتمالاً پرویز مشرف اجازه مرخصی برای انجام سفری کوتاه به کراچی را پیدا خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری هند، یک منبع خبری نزدیک به پرویز مشرف، رئیس‌جمهوری سابق پاکستان اظهار داشت: پرویز مشرف روز شنبه، برای مدت دو تا سه روز به کراچی خواهد رفت و مجدداً به اسلام‌آباد بازمی‌گردد.

قرار است مشرف طی اقامتش در شهر کراچی با خانواده، دوستان و مقامات حزب مسلم لیگ همه مردم پاکستان دیدار کند.

پیش‌تر گزارش شده بود که مشرف احتمالاً به بیمارستانی در کراچی به منظور معالجه منتقل خواهد شد.

مقامات نزدیک به مشرف چنین اقدامی را متفی دانستند. با این وجود احتمالاً وی امروز برای انجام معاینه کلی سری به این بیمارستان می‌زند. پرویز مشرف در حال حاضر در خانه خود در حومه شهر اسلام‌آباد در بازداشت خانگی قرار دارد.

پرویز مشرف در تاریخ دوم جنوری هنگامی که عازم دادگاه ویژه محاکمه خود بود از درد در ناحیه قلب شکایت کرد و در موسسه کاردیولوژی نیروهای مسلح پاکستان بستری شد.

مشرف سال گذشته میلادی پیش از انتخابات سراسری پاکستان از تبعید به پاکستان بازگشت.



فرید زکریا - روزنامه واشنگتن پست

هنجارهای جهانی در برابر منافع ملی

در این بازی بزرگ در جنوب غرب آسیا، روسیه به لحاظ تاریخی همواره در کنار هند و چین و امریکا در کنار پاکستان قرار داشته است. با این وجود مسائلی اکنون متفاوت شده است. امریکا در حال حاضر دشمن قسم خورده طالبان است و با پاکستان در زمینه مسائلی مربوط به تروریسم بارها جدال پیدا کرده است اما عادات‌های قدیمی به سختی از بین می‌رود

لیبرمن اظهار داشت که در آینده‌ی نزدیک نخست‌وزیر اسرائیل روس‌زبان خواهد بود. خود لیبرمن هنگامی که با ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر روسیه و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه دیدار کرد با آنها به زبان روسی صحبت کرد زیرا این زبان، زبان نخست اوست. از طرف دیگر، چین با شگفتی کمتر در صدد محکوم کردن روسیه و یا تحریم آن برنیامد اما این کشور موضعی ظریف اتخاذ کرده و در عین حال قبول نکرده تا اقدامات روسیه را تایید کند و بر حمایت خود از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین تاکید کرده است.

ممکن است کسی بگوید که در این سه مورد کشورها قرائت اشتباهی از آنچه که منافع ملی آنها است، داشته‌اند. چین مرز بسیار بلندی با روسیه دارد و نباید از مسکو در تلاش برای تغییر نظم مرزها با زور حمایت کند. از طرف دیگر این احمقانه است که اسرائیل روابط خود را با امریکا به عنوان نزدیکترین هم‌پیمانانش با توهم ائتلاف با مسکو به خطر بیندازد. این حقیقت که لیبرمن به زبان روسی صحبت می‌کند جلوی مسکو را از فروش سلاح به ایران، سوریه و حزب‌الله نگرفته است. هند نیز باید به دنبال برقراری روابطی نزدیکتر با واشنگتن در جریان تلاش برای مقابله با ظهور چین در همسایگی خود باشد. اما فراتر از این ملاحظات اندک یک ملاحظه بزرگ وجود دارد: آیا این کشورها می‌خواهند در جهانی زندگی کنند که در آن برخورد منافع ملی کاملاً حکم‌فرما باشد؟

از سال ۱۹۴۵ تاکنون تلاش‌های زیادی انجام شده تا هنجارهای جهانی کلی‌تر برقرار شود. به عنوان مسائل تلاش شده تا با الحاق مناطق با زور به کشورها مقابله شود. این هنجارها همواره رعایت نشدند اما در مقام مقایسه با گذشته، آنها کمک کردند تا جهانی موفق‌تر و صلح‌آمیزتر داشته باشیم. طی یک دهه آینده مشروط به اینکه قدرت‌های نوظهور جدید چطور رفتار کنند این هنجارها ممکن است تقویت یا ضعیف شوند و این حقیقت تفاوت میان جنگ و صلح را در قرن ۲۱ نشان خواهد داد.

خورده طالبان است و با پاکستان در زمینه مسائل مربوط به تروریسم بارها جدال پیدا کرده است اما عادات‌های قدیمی به سختی از بین می‌رود. عجیب‌تر از همه واکنش اسرائیل به عنوان بزرگترین حامی امریکا در جهان به بحران اوکراین است. اسرائیل که معمولاً عادت دارد از همه مسائلی سیاست خارجه امریکا حمایت کند مصمم بوده تا در زمینه اوکراین این کار را انجام ندهد.



بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به طرز غیرمنتظره محافظه‌کار عمل کرد. آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه اسرائیل صراحت بیشتری داشت و اظهار داشت: ما با امریکایی‌ها و روس‌ها روابط خوب و مبتنی بر اعتماد داشته‌ایم و با هر دو طرف تجربه ما مثبت بوده است بنابراین من دلیلی نمی‌بینم که اسرائیل در این بحران درگیر شود.

از طرف دیگر نتانیاهو نیز گفت: من امیدوارم که مساله اوکراین به صورت دوستانه و سریع حل و فصل شود. به طور خصوصی مقامات اسرائیل عنوان کردند که نمی‌خواهند روسیه را از خود منزجر کنند زیرا برای تعامل با برخی تهدیدات به ویژه مساله ایران و همچنین تهدیدهای جنگ داخلی سوریه به مسکو احتیاج دارند. برخی معتقدند که اسرائیل می‌تواند به واسطه روابط میان این رژیم با صدها هزار یهودی روسی که به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند و در حال به دست آوردن نفوذ سیاسی هستند روابط ویژه‌ای با مسکو برقرار کند.

حمله روسیه به اوکراین اگر چه کشورهای دموکراتیک غربی را دستکم در محکومیت قاطع این اقدام متحد کرد، اما فراتر از آن می‌توان تنوع در پاسخ‌های دیگر کشورهای جهان به این اقدام را دید. این تنوع حکایت از تنش بزرگ در زنده‌گی بین‌المللی قرن ۲۱ دارد: تنش میان هنجارهای جهانی و منافع ملی.

پاسخ هند که پرجمعیت‌ترین کشور دموکراتیک جهان است را به بحران اوکراین در نظر بگیریم. دهلی‌نو طی رخدادهای ماه فروری و اوایل ماه

مارچ عمدتاً سکوت اختیار کرد. این کشور از حمایت از هرگونه تحریم علیه روسیه سر باز زد و مشاور امنیت ملی دولت آن عنوان کرد که روسیه در اوکراین منافع مشروع دارد. همه این اقدامات منجر به تشکر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه طی یک تماس تلفنی با نخست‌وزیر هند

شد. واکنش هند به مساله اوکراین را می‌توان با روابط عمیق این کشور با روسیه توضیح داد. از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، ۳۸ درصد از صادرات تسلیحات روسیه به هند رفته است. هند بیشترین میزان واردات سلاح از روسیه را داشته است. صادرات سلاح روسیه به هند سه برابر بیشتر از صادرات ۱۲ درصدی سلاح به چین است.

همچنین ۷۵ درصد از واردات تسلیحات هند از روسیه انجام شده و در مقام مقایسه هفت درصد از این واردات از امریکا انجام شده است. طی این مدت روسیه یک ناو هواپیمابر و یک زیردریایی هسته‌ی به هند داده است و صادرات این دسته سلاح‌ها برای اولین بار در جهان و از روسیه به هند رخ داده است. علاوه بر آن امریکا در حال خارج ساختن نیروهای خود از افغانستان است و هند می‌داند که پاکستان تلاش خواهد کرد تا با استفاده از شبه‌نظامیان طالبان و دیگر گروه‌هایی که در اقدامات تروریستی علیه شهروندان هندی دست داشته‌اند، این خلاء را پر کند.

در این بازی بزرگ در جنوب غرب آسیا، روسیه به لحاظ تاریخی همواره در کنار هند و چین و امریکا در کنار پاکستان قرار داشته است. با این وجود مسائلی اکنون متفاوت شده است. امریکا در حال حاضر دشمن قسم

۶ عادت آدم‌های به‌یادماندنی



برای موفق شدن، چه کارفرما باشید و چه کارمند، باید بتوانید در یادها بمانید. با این‌که لازم نیست جالب‌ترین آدم روی زمین باشید، اما شناخته‌شده بودن، یک از اصلی‌ترین اهداف بازاریابی، تبلیغات و برندگذاری شخصی است. از دل برود هر آن‌که از دیده برفت، و هر که از دل برود از بازار کار هم خواهد رفت.

اما اگر تنها هدف شما این است که برای مقاصد کاری شناخته شوید، جا می‌مانید. آن‌هایی که برای اهداف درست، به‌یادماندنی هستند، معمولاً زنده‌گی غنی‌تر، بهتر و راضی‌کننده‌تری دارند. پس کارت ویزیت‌های پُرزرق‌وبرق و گزاره‌های ارزش فردی و انتخاب لباس‌های ویژه را فراموش کنید. این نوشته به شما یاد می‌دهد که چه‌طور به‌یادماندنی شوید.

۱- نینید، انجام دهید.

هرکسی می‌تواند در مورد فیلم و سریال تلویزیون و یا حتی کتاب نظر دهد. به همین دلیل است که نظر افراد اغلب سریع فراموش می‌شود. چیزی که شما می‌گویید جالب نیست، آن‌چه انجام می‌دهید جالب است.

زنده‌گی تان را به جای تماشا کردن با فعالیت کردن بگذرانید. مطمئن باشید اتفاقات جالبی برای تان می‌افتد. اتفاقات جالب، بسیار خاطره‌انگیزتر و به‌یادماندنی‌تر هستند.

۲- کاری غیرعادی انجام دهید.

یک دایره بکشید و همه وسایل تان را داخل آن بگذارید. دایره شما مثل دایره بقیه خواهد بود: همه کار می‌کنند، همه خانواده دارند، همه خانه، موتر و لباس دارند... همه ما دوست داریم فکر کنیم که خاص هستیم، اما متأسفانه همه ما یک‌رقم هستیم و یک‌رقم بودن، اصلاً به‌یادماندنی نیست. به همین خاطر سعی کنید هرازگاهی کاری غیرعادی انجام دهید. به کوهستانی که هیچ‌کس برای کوه‌نوردی نمی‌رود، بروید. یا یک روز کارت‌تان را در یک کافی‌شاپ انجام دهید تا آدم‌های مختلفی را ببینید و چیزهای زیادی در مورد مردم و خودتان یاد بگیرید.

هر کاری که می‌کنید، هرچه غیرمنطقی‌تر و بی‌بازده‌تر باشد، بهتر است. هدف تان این نیست که کاری ارزشمند انجام دهید؛ هدف این است که تجربه کسب کنید. تجربیات، مخصوصاً تجربیات غیرعادی، زنده‌گی تان را غنی‌تر و جالب‌تر می‌کند.

۳- یک مأموریت بی‌اندازه راه بیاندازید.

شما فوق‌العاده متمرکز و بی‌اندازه کارآمد هستید. هم‌چنین شدیداً حوصله‌سرب. وقتی جوان بودید و ایده‌های احمقانه را باوجود نتایج غیرمنطقی‌شان دنبال می‌کردید، به یاد دارید؟ مثل سر کشیدن یک بوتل نوشابه بدون وقفه. این کارها باوجود بی‌معنا و غیرمفید بودنشان بسیار مفرح بودند. در واقع هرچه بی‌معنا تر و بی‌هدف‌تر باشند، لذت بیشتری به شما می‌دادند. پس فقط یک‌بار هم که شده کاری کنید که آدم‌بزرگ‌ها دیگر انجام نمی‌دهند. برای دیدن یک گروه موسیقی هشت ساعت راننده‌گی کنید یا هر کار دیگری که هیچ‌کس حاضر به انجامش نیست. مطمئن باشید این کارتان همیشه به یاد خودتان و بقیه خواهد ماند.

۴- به یک جنبش ملحق شوید.

آدم‌ها به کسانی که به دیگران توجه می‌کنند، توجه خواهند کرد. وقتی برای چیزی یا هدفی می‌ایستید، از دیگران جدا خواهید بود. اما...

۵- اجازه بدهید دیگران کارهای تان را بفهمند.

آدم‌هایی که خودستایی می‌کنند، برای کاری که انجام داده‌اند به یاد نمی‌مانند؛ بلکه برای خودستا بودنشان در ذهن‌ها می‌مانند.

کار خوب انجام دهید و مطمئن باشید بقیه می‌فهمند. هرچه کم‌تر در مورد کارهای خوب‌تان حرف بزنید، بیشتر به یاد دیگران خواهید ماند.

۶- از خودتان فراتر روید.

بیشتر اوقات در کارتان با احتیاط گام برمی‌دارید. از هر احتمال شکست دوری کرده و در عین حال برای مطمئن شدن از این‌که دستاوردهای تان روزبه‌روز بالاتر می‌رود، احتمال موفقیت را بالا می‌برید. به ناچار این رویکرد به زنده‌گی خصوصی تان هم کشیده می‌شود. بنابراین می‌دوید اما وارد مسابقه نمی‌شود، چون نمی‌خواهید که بازنده شوید. می‌خوانید اما وارد هیچ گروه موسیقی نمی‌شوید، چون فکر می‌کنید مثل بهترین خواننده‌ها نخواهید بود.

دوست دارید تصویری که از شما به ذهن می‌ماند، ایده‌آل‌ترین تصویر باشد و فکر می‌کنید که شما یک انسان نیستید، یک رزومه کاری هستید.

دست از ایده‌آل به نظر رسیدن بردارید. نقص‌های تان را بپذیرید. دچار اشتباه شوید. چیزهایی مختلف را امتحان کنید و بگذارید که شکست بخورید.

و وقتی که شکست خوردید، با خودتان با مهربانی و بخشنده‌گی رفتار کنید. وقتی این کار را بکنید، مردم مطمئن شما را به خاطر می‌سپارند؛ چون کسانی که میل به شکست داشته باشند و از آن ترسند، بسیار کم هستند و چون کسانی که تواضع و بخشایش نشان می‌دهند، بسیار نادرند.

منبع: مردمان

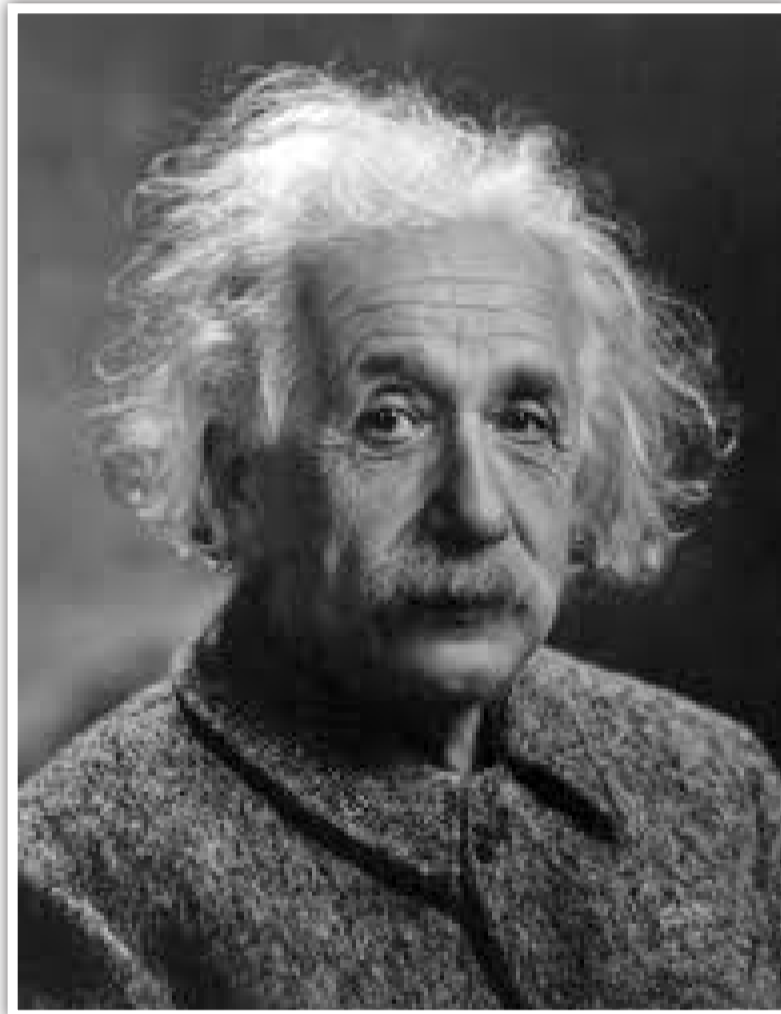
علم و فناوری مدرن در نگاه اینشتین

آزاد جعفری

و آگاهی و شناخت؟ و مگر نه این که هدفش خدمت به انسان است و کمک به او برای آن که بتواند دنیایی را که دیگران برایش ساخته اند، تغییر دهد و اینک خود به فراخور نیازش آن را از نو بسازد؟ پس چرا این آزادی‌طلبی و این اختیارگرایی که از انسانی‌ترین ارزش‌های وجودی بشر هستند، ناگهان به ضد خود بدل می‌شوند و بشر تحت سیطره اسارت و جبر قرار می‌گیرد؟ همه چیز بر می‌گردد به مسأله اخلاق و جایگاه آن در جهان مدرن. نه متفکرانی که آن‌ها را به عنوان پایه‌گذاران مدرنیته می‌شناسیم مقصر اند، نه دانشمندانی که با جهد و تلاش خسته‌گی‌ناپذیر برای بشر اکتشافات علمی و صنعتی

وجه الله «شرق و غرب از آن خداست؛ هر جا بنگرید وجه خدا را می‌بینید. پس هم شرق و وجه الهی دارد هم غرب» و در جایی دیگر در مقام بیان نسبت این دو ساحت در حقیقت وجود می‌گوید: «سخن این‌جاست که در اسلام این دو ساحت در منافرت با یک‌دیگر دیده نشده است... اصلاً می‌توان گفت که آهنگ خاص اسلام که آن را از ادیان دیگر متمایز می‌سازد، همین است که الگوی معنویت در اسلام، الگوی کاملاً شرقی نیست. یعنی آن معنویتی که در اسلام طرح شده، معنویت بودایی یا مسیحی نیست... می‌توان گفت که در اسلام بهشت به زمین آورده شده و شخص باید معنویت و گهرهای معنوی

مدرنیته اساساً نظر به ساحت غربی وجود آدمی دارد. آن‌گونه که حکمای پیشین ما گفته اند، انسان دو ساحت وجودی دارد؛ ساحت شرقی یا ساحت جان، و ساحت غربی یا ساحت تن؛ و هیچ‌یک از این دو هم به خودی خود بر دیگری برتری ندارد، چرا که هر دو در عین حال که بشری اند، می‌توانند الهی باشند الگوی معنویت در اسلام، الگوی کاملاً شرقی نیست. یعنی آن معنویتی که در اسلام طرح شده، معنویت بودایی یا مسیحی نیست... می‌توان گفت که در اسلام بهشت به زمین آورده شده و شخص باید معنویت و گهرهای معنوی را در دل کار اجتماعی و معیشت روزانه جست‌وجو کند. به این‌جا که می‌رسیم می‌بینیم دیالوگ میان شرق و غرب به طور کامل در اسلام تحقق پیدا کرده است و اسلام یعنی دیالوگ این دو ساحت وجودی انسان



به ارمغان آورده اند، و نه تیورسین‌های بنامی هم‌چون آلبرت اینشتین که جهش علمی زمانه، مدیون بینش ژرف آن‌هاست. گناه بی‌اخلاقی و خودپرستی بشر جدید را به گردن این بزرگان نمی‌توان انداخت. این‌ها چه بسا خود مهم‌ترین قربانیان این انحطاط اخلاقی مدرن هستند. مدرنیته اساساً نظر به ساحت غربی وجود آدمی دارد. آن‌گونه که حکمای پیشین ما گفته اند، انسان دو ساحت وجودی دارد؛ ساحت شرقی یا ساحت جان، و ساحت غربی یا ساحت تن؛ و هیچ‌یک از این دو هم به خودی خود بر دیگری برتری ندارد، چرا که هر دو در عین حال که بشری اند، می‌توانند الهی باشند.

محمدرضا ریخته‌گران در کتاب «پدیدارشناسی، هنر، مدرنیته» در این خصوص بیان می‌دارد که: «هم شرق، بشری است، هم غرب. تلقی غالب این است که ساحت شرقیه از خداست و ساحت غربیه از غیرخدا یا شیطان است. اما در کتاب خدا می‌بینیم که می‌فرماید: «و لله المشرق و المغرب فاینما تولوا فثم

است، اما به وضوح می‌بیند که دنیای بر ساخته‌شان به چه عاقبتی گرفتار آمده و با چه شتاب روزافزونی دارد به سوی انحطاط و تباهی حقیقت وجودی انسان پیش می‌رود.

مشکل صد البته از خود مدرنیته و مفهوم تجدد و دستاوردهای حاصل از آن نیست؛ بلکه از آسیب‌های ناشی از نگرش تازه‌یی است که نسبت به عالم وجود پدیدار گشته است. نگرشی که انسان را با جبر و غریزه معنا می‌کند و انسانیت را با خصلت‌های حیوانی وجود بشر. مشکل، گام برداشتن در جهت شناخت علمی و رفاه مادی و در اختیار گرفتن طبیعت نیست؛ آن‌چه جای تاسف دارد، وابسته‌گی به ابزار است و خودفراموشی و مسخ شدن در چنگال عادات و غرایز.

مقصر را نمی‌توان مدرنیته دانست. سرمنشای این انحطاط اخلاقی فراگیر، بی‌شک مواجهه نادرست بشر با علم جدید است؛ اما به راستی مدرنیته چه دارد که این همه مستعد آفت است؟ مگر نه این که بنیان بر دانش است

گفتمان مادری در ادبیات آمریکا، اواخر قرن بیستم

بخش سوم و پایانی

از میان زنان، صدای ماویس (Mavis) به گونه نمایان تری مادرانه است؛ هم چون سته در «محبوب» ماویس فرزندان را می کشد، اگر چه با یک حادثه، نه به صورت عمدی. او به مغازه بقالی می رود تا برای غذای شب شوهرش خرید کند. در حالی که او در مغازه است، دو قلو [دو گانه گی] های او در موتر در بسته خفه می شوند. ماویس احساس می کند که شوهر و دیگر فرزندان او را به خاطر مرگ دو قلوها مقصر می دانند، شک می کند که آن ها می خواهند وی را به تقاص بکشند. وحشت زده و غم بار موتر شوهرش را می گیرد، از خانه اش در مریلند دور می شود، راه کالیفرنیا را در پیش می گیرد، گم می شود، برای درخواست گازویل به در خانه کانونت می آید، جایی که برای سالها همان جا می ماند.

این روایت [لبریز از] کج روی، ترس و گریز شرح ماویس از عشقش نسبت به دو قلوها هم هست. او ادعا می کند دو قلوها در کانونت هستند، مخفیانه به خانه اش هم سر می زند تا دیگر فرزندان را از دور تماشا کند. آنچه برجسته گی دارد این واقعیت است که او هیچ گناه مادرانه ای انجام نداده است. بلافاصله پس از این حادثه، یک روزنامه نگار برای مصاحبه با ماویس ملاقات می کند اما در حالی که روزنامه نگار تلاش می کند یک روایت مادرانه کلیشه ای از ماویس بشنود، بدین ترتیب که وی خانواده اش را مصیبت زده کرده و به عنوان یک مادر خود را در مرگ فرزندش مقصر می داند، ماویس نمی تواند چنین تصویری ارائه دهد. مثلاً وقتی روزنامه نگار می گوید «باید خیلی برای تو وحشتناک باشد» ماویس پاسخ می دهد «بله، این طور است، برای همه ما وحشتناک است». ضمیر You در جمله ژورنالیست را جمع (شما) تفسیر می کند، او این تصور که یک مادر به گونه متفاوتی نسبت به دیگران درباره از دست رفتن دو فرزند تحت تاثیر است را رد می کند. وقتی روزنامه نگار ادامه می دهد «آیا برای دیگر مادران حرفی داری؟... چیزی که آن ها را نگران کند، آن ها را از بی احتیاطی بازدارد، آیا از این تراژدی خیری می تواند برآید؟» ماویس

تا آنگاه سوچیداما / برگردان: پناهیم خدایی

تکراراً می گوید «چیزی برای گفتن به دیگران ندارم» به قول باربارا جانسون «با مرگ هر فرزندی هم چون گناهی انجام شده توسط مادر برخورد می شود، چیزی که یک مادر مانع آن شود». در این بافت آرامش و عدم حساس گناه ماویس برای خواننده همانند روزنامه نگار دشوار است. این دشواری و تشویش افزوده می شود؛ زیرا مرگ تصادفی دو قلو [دو گانه گی]ها ما را به یاد مورد رسانه ای شده سوزان اسمیت در 1994 می اندازد. اسمیت دو پسرش را (که دو قلو نبودند) کشت، موتر را همراه جسد آن ها به داخل دریاچه انداخت، سپس ادعا کرد یک مرد آمریکایی افریقایی موتر و فرزندان را ربوده است. مجرمیت اسمیت قاطع بود، نه فقط به خاطر قتل عمد فرزندان خودش، بلکه به این خاطر که او یک زن سفید پوست جنوبی، تلاش کرد از امتیاز نژادی برای پوشاندن جرم خودش بهره ببرد. مورد اسمیت،

وقتی من می گویم می خوابید. من یادتان می دهم چی دوست دارید بخورید. بدین ترتیب آشکار است و او تصویر کلیشه ای، مربی فداکار یا عجزه حریص نیست، بلکه اقتدار مادر سالار در گروه است، زنان از اقتدار کونسولاتا در شگفت می شدند. این بانوی شیرین که ظاهراً یکایک آن ها را دوست دارد، کسی که هرگز انتقاد نکرده است، کسی که شریک [غم] همه است اما نیازی به غم خواری ندارد، مایه عاطفی نمی خواهد، گوش می کند، هیچ دری را قفل نمی کند و هر که باشد می پذیرد... این مادر دوست و ندیم ایده آل که در هم نشینی او از آسیب امنیت هست، این صاحب خانه عالی کسی را متهم نمی کند و همه را تحویل می گیرد، ننه ساده دلی که می شود به او اعتماد کرد، نادیده اش گرفت و به او دروغ گفت. بدین ترتیب، بیانیه مادرانه کونسولاتا، خودستایی بچه گانه زنان دیگر را برجسته می کند، علاوه بر این



در حالی که کونسولاتا نقش مادر را در ارتباط با دیگر زنان بازی می کند، خودش را بیشتر به عنوان یک دختر حساب می کند تا مادر [راهبه]. او از کونسولاتا بزرگ تر است، کارهای مادرانه مثل غذا دادن، شستن یا تسلا عطفی دادن را هم چون کونسولاتا انجام نمی دهد، کونسولاتا از «مادر» پرستاری می کند، «مادر» [راهبه] نسبت به یک کاراکتر انسانی سمبول نظم مادر سالار است که در زیر آن کونسولاتا و دیگر زنان را سرپرستی می کند. سه زن دیگر در کانونت، سنکا (Seneca)، جی جی (Gigi) و پالاس (Pallas) بیشتر به عنوان دختر نمود یافته اند؛ جوانتر از ماویس، بدون این که هرگز فرزندی از آن خویش داشته باشند.

هریک از آن ها رابطه آسیب دیده (یا عدم رابطه) با مادران شان داشته اند، و آمدن شان به کانونت از طریق گریز ایشان از آسیب و جست و جوی پناهگاه بوده است. مادر سنکا، به نام جین، وقتی او پنج ساله بود رهایش کرد. جین یک نوجوان تنها، تظاهر می کرد که خواهر سنکاست، روزی او را در اتاق خوابگاه دولتی شان رها کرد، دیگر زنان زنده گی سنکا به تربیت یا نوازش های عاطفی بی که بدان احتیاج داشت، نپرداختند. وقتی سنکا مادر دوست پسرش را ملاقات کرد، تقاضایش برای پول ضمانت رد شد و غذا یا جایی برای استراحت به

او داده نشد. زن مسن دیگر نورما کین فوکس (Norma Keen Fox) در عوض نگهداری از او از وی لذت جنسی گرفت؛ او را از فرودگاه آورد، برای پنج هفته نگهداری کرد و قبل از آن که شوهرش از سفر دور برگردد، او را رها کرد. پالاس یک دختر نوجوان با پدری وکیل و پولدار و مادری هنرمند است، او فهمید که دوست پسرش با مادر رابطه دارد، در حالی که با ترس و عجله از صحنه می گریزد، زورگیر می شود و آبستن می گردد. پالاس نمی پذیرد که نام اصلی اش را که دیواین (Divine) است و مادر آن را رویش گذاشته، به کار ببرد. جی جی هم داشتن اسمی شبیه مادرش را نمی پذیرد؛ گریس (Grace) درحالی که روایت او بیشتر درباره رابطه اش با جنس مخالف است، بیان شده که رابطه وی با مادرش نامطلوب بوده است.

با یک پایان کوتاه و غیر طبیعی، مردم رابی در یافتن جنازه زنان شکست می خورند. تصور می شود که زنان در همین حوالی باقی هستند و از طریق یک در یا پنجره به زمان یا مکان دیگری گریخته اند. هر یک از آنان به طور مختصر برای اعضای خانواده شان ظاهر می شوند. جین که تلاشی بی فایده برای یافتن دخترش داشته است، به سوی سنکا می رود اما سنکا بدون هیچ رنج و کینه بی قبول نمی کند که او را بشناسد. زن دیگر احتمالاً جی جی به جین می گوید «بانو پیرمردت تو را صدا می زند» وقتی جین بس می کند، می گوید: «من فکر می کردم تو کسی هستی که در خیابان وودلاون می شناختم» سنکا لبخند می زند و می گوید: «هر روز چنین اشتباهاتی هست»، سنکا و مادر نوجوانش را به خاطر ترک کردن وی می بخشد احتمالاً درک می کند به خاطر مردی، وی او را می شناسد، اما نمی خواهد به جرگه مادر - دخترها و رابطه ایشان بیفتد.

ماویس جلوی دختر بزرگسالش ظاهر می شود، پالاس برای مادرش و جی جی برای پدر بزرگش، ظاهر شدن آن ها کوتاه و گذراست، اما جگرسوز و رنج آور نیست.

نتیجه گیری:

همان طور که سوژورنر تراث (Sojourner Truth) در 1845 در آکرون (Akron) اوهایو در یک کنوانسیون طرفدار حقوق زنان قویاً ادعا کرد مادرانه گی او همسان اما ناهمسان با زنان سفید بود، بیانات او به عنوان یک زن و مادر برده که کار دشوارش استعمار شده بود و فرزندان به عنوان برده فروخته می شدند، فصیحانه شروع شد اما او اثبات کرد که طبقه بندی با عناوینی چون «زن» و «مادر» به هیچ وجه یک کاسه (monolithic) یا به گونه بی بیالوژیکی معین نیستند، بلکه این امکان هست که به گونه بی سیاسی، زنانی که تجارب متنوعی دارند، با عناوین زن یا مادر یک پارچه شوند، پرسش فصیح تراث «من نیز زنم؟» (Ain't I a woman?) تفاوت میان مادران سیاه و سفید در جامعه برده داری ایالات متحده را پنهان نمی کند بلکه برجسته می سازد. اما هم زمان این قدرت را دارد که زنان هر دو نژاد را متحد سازد و منجر به دگرگونی سیاسی شود. همین طور پسامدرنیسم که از طریق صداهای مادری بازنمایی می شود آن طور که منتقدانی چون تری ایگلتون (Terry Eagleton) ادعا می کند، ضرورتاً غیر سیاسی و پوچ گرا نیست. پسامدرنیسم یک متن مشخص، ضرورتاً نه به این معنی است که فعال و جنبش گر (libratory) است و نه به این معنی که محافظه کار یا پوچ گراست.

چنان متونی در بیش مندترین حالت، جهان و ذهنیت قهرمان را تفکیک شده، نامتمرکز و دلزده از سرمایه داری مصرفی پساصنعتی بازنمایی می کند، نه این که منفعلانه بدان واکنش نشان دهد، بلکه آن را با یک روش سیاسی معنی دار سازمان دهی می کند. منتقدانی مثل هوکس که فرهنگ پسا مدرن را از دید مثبت می نگرند، آن را فضایی می دانند که گره هایی قدیمی که محکم هستند و در پی فرصت برای اشکال جدید در بند کردن و فعالیت مخالفت هستند. عقیده آنها بر تجمل نوعی از گفتمان مادرانه است که به وسیله مریسون، سیلکو و کینگستون نوشته می شود که مختصراً به تحلیل آن پرداختم. رمان های آن ها نه فقط پیشنهاد جدیدی ارائه می دهد، در نظریه های فمینیستی درباره ذهنیت های مادرانه و از گفتمان مادرانه به منظور تشریح واقعیت پسامدرن استفاده می کند، بلکه هم چنین یک منظر آلترناتیو رادیکال به واقعیت کنونی و آینده ما نیز نشان می دهد.



شکست‌های پی‌هم آقای کرزی در ۱۶ حمل

احمد عمران

رییس‌جمهور کرزی در بیانیهٔ آخر هفتهٔ خود به گونهٔ غیرمترقبه از کمیسیون‌های انتخابات و شکایات تقاضا کرد که تمام سعی و تلاش خود را در جهت شفافیت بخشیدن به روند انتخابات انجام دهند. او از این کمیسیون‌ها خواست که در امر اعلام نتایج، به چیزی جز قانون و عدالت فکر نکنند.

این سخنان از جانب رییس‌جمهوری در حالی مطرح می‌شوند که در این اواخر ارگ ریاست‌جمهوری به پایگاه اصلی مسایل انتخاباتی مبدل شده است. در این محل، علاوه بر این که مسوولان ارشد کمیسیون‌های انتخاباتی رفت‌وآمد دارند، نامزدهای انتخابات نیز به شکل دوام‌دار در نشست‌های مختلف انتخاباتی شرکت می‌ورزند.

بسیاری از بحث‌هایی که این روزها بر سر زبان‌ها افتاده‌اند، عمدتاً ریشه در ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان دارند؛ بحث‌هایی از این دست که انتخابات به دور دوم خواهد رفت، دولت ائتلافی ساخته خواهد شد، دولت مشارکت ملی به میان خواهد آمد و سرانجام این که طرح پوتین - مدودف به اجرا گذاشته خواهد شد. حتا بحث‌های دیگری مثل پایین آوردن آرای برخی نامزدان مطرح و پیشتاز و ایجاد تساوی تصنعی در آرای چند نامزدی که نام‌های شان در صدر فهرست قرار دارد.

این بحث‌ها مسایلی نیستند که عده‌یی در بیرون از دستگاه دولت و یا ارگ ریاست‌جمهوری، آن‌ها را دامن زده باشند. این طرح و برنامه‌ها عملاً از درون همین دستگاه و محل بیرون شده و فضای ملتهبی را در رابطه با انتخابات شکل داده است.

آقای کرزی هر چند به شکل ظاهری، از شفافیت در روند انتخابات و اعلام نتایج واقعی سخن می‌گوید، ولی در خفا کار دیگری را دنبال می‌کند. کار دیگر آقای کرزی هم چندان دور از چشم مردم باقی نمانده است. همه می‌دانند که او خلاف گفته‌های خود، به چه می‌اندیشد و چرا هم‌چنان در کار انتخابات دخالت می‌ورزد.

آقای کرزی تا به حال حداقل دو طرح اولیهٔ خود را در رابطه با انتخابات شکست‌خورده می‌بیند. طرح نخست عبارت از این بود که سیاسیون کشور به نوعی اجماع در مورد انتخابات دست پیدا کنند و از تراحم نامزدهای انتخابات به میزان قابل توجهی کاسته شود. این طرح هر چند از سوی شخص آقای کرزی مطرح شد، ولی زمانی که روی آن کار صورت می‌گرفت،

از سوی خودش سبوتاژ شد و به فراموشی رفت. زیرا آقای کرزی می‌خواست از دل چنین طرحی، شرایطی ایجاد شود که قدرت هم‌چنان در اختیارش قرار داشته باشد.

دومین شکست آقای کرزی زمانی خود را نشان داد که او عملاً از نامزد خاصی حمایت کرد و نه تنها حمایت کرد، که دیگران را نیز مجبور به حمایت از این نامزد خاص ساخت، آن‌هم به گونه‌یی که عده‌یی به زور و برخی هم با تطمیع و تهدید در کنار نامزد مورد حمایت آقای کرزی قرار گرفتند. آقای کرزی با توجه به امکانات شخصی و دولتی خود و ایجاد فضای توهم نسبت به یک نامزد خاص، می‌خواست



او را برندهٔ انتخابات سازد و در واقع خودش برنده شود. این نامزد خاص به دلیل رای پایین و ناچیز، حالا نمی‌تواند پیروز انتخابات شود. با این شکست، آقای کرزی طرح تازه‌یی را به راه انداخته است و آن، بالا کشیدن نامزد بی‌رای ولی مورد حمایتش در نتیجهٔ پایین آوردن آرای برخی نامزدان پیشتاز است. آقای کرزی دست‌کم می‌خواهد در این طرح شکست آن‌چنانی نخورد و نامزد مورد حمایت خود را در صورت رفتن انتخابات به دور دوم، وارد این دور سازد.

این طرح البته حاوی چند مرحله است و به‌آسانی نیز برای آقای کرزی مقدور نیست که بتواند شخص مورد نظر خود را تا مرحلهٔ نزدیک به پیروزی بکشانند. به همین دلیل، او با تمام تلاش روی این طرح کار

می‌کند و می‌خواهد با دیدوبازدید و گفت‌وگوهای کسل‌کننده، نامزدهای انتخابات را وادار به پذیرش آن کند و یا چنین تصویری را به‌وجود آورد که آن‌چه انجام شده، در یک روند شفاف و بدون دستکاری‌های مهندسی شده بوده است.

آقای کرزی وقتی از کمیسیون‌های انتخاباتی می‌خواهد که شفافیت انتخابات را مد نظر داشته باشند، دقیقاً می‌خواهد نسبت به آوازه‌هایی که در بیرون از ارگ نسبت به آن‌چه که صورت می‌گیرد شکل گرفته، واکنش نشان دهد. اگر این سروصداها وجود نمی‌داشتند، آقای کرزی نیز بدون شک نسبت به شفافیت کار کمیسیون‌ها حرف نمی‌زد.

آقای کرزی بهتر از هر کس دیگری می‌داند که وضعیت آن‌گونه که او انتظار داشته، بر وفق مراد نیست؛ از یک طرف نامزد مورد حمایتش در وضعیت مناسبی قرار ندارد و از طرف دیگر بسیاری از مسایلی که در ارگ ریاست‌جمهوری این روزها مطرح شده، به وسیلهٔ شرکت‌کننده‌گان این نشست‌ها به بیرون درز کرده است.

از قدیم گفته‌اند «تا نباشد چیزی مردم نگویند چیزها». اگر واقعاً ارگ به پایگاه بده بستان‌های انتخاباتی تبدیل نشده است، پس این همه سروصدا و آوازه برای چیست؟ چرا آقای کرزی بر کار کمیسیون‌هایی تأکید می‌ورزد که خودش مسوولان ارشد آن‌ها را برگزیده است؟ اگر به این افراد اعتماد وجود نمی‌داشت که بدون شک وجود دارد، پس ضرورت تأکید بر شفافیت روند انتخابات مطرح نمی‌تواند باشد.

آقای کرزی از آن‌چه که در اطرافش می‌گذرد و از آن‌چه که مردم در این شب و روزها نسبت به انتخابات و نتایج آن سخن می‌گویند، به‌شدت بیمناک است و به همین دلیل می‌کوشد با چنین ابراز نظرهایی، جو عمومی جامعه را آرام سازد؛ جو عمومی‌یی که با نگرانی مسایل انتخابات را دنبال می‌کند و نسبت به هر اقدام غیرقانونی، از خود واکنش نشان می‌دهد.

آقای کرزی بدون تردید، در طرح سوم خود نیز به‌سان دو طرح قبلی با شکست روبه‌رو می‌شود؛ زیرا در افغانستان فعلی، دیگر چنین طرح‌هایی نمی‌تواند پاسخ‌گو باشند. مردم خواهان تغییر در وضعیت نظام و ایجاد اصلاحات بنیادی در کشور اند. این خواست به دنبال ایجاد حکومت مشروع که از دل انتخابات بیرون شده باشد، میسر می‌شود و نه تداوم سلطهٔ یک گروه در هیأت و لباسی دیگر.

ما از پروسه نظارت...

ساخته اند که از آنجا می‌توانند این پروسه را تماشا کنند.

فهمیم نعیمی افزود: «زمانی که صندوق‌ها از مراکز می‌آیند در حضور ناظرین باز می‌شوند و بعد از آن نتایج ابتدایی می‌رود به طرف اسکن شدن و زمانی که برگه‌های اسکن شده در کمیوتر ثبت می‌شود، در این مرحله ناظرین وجود ندارند و نمی‌توانند که بخش‌های بعدی این پروسه را نظارت کنند.»

آقای نعیمی هم‌چنان گفت، به‌خاطر مشکلات تخنیکی در کمیسیون مستقل انتخابات، ناظرین نمی‌توانند این روند را درست و معیاری نظارت کنند.

در عین حال، محمد نعیم ایوب‌زاده رییس بنیاد انتخابات شفاف افغانستان (تیفا) می‌گوید، مسوولان کمیسیون انتخابات با ناظرین حُسن نیت خوبی دارند و مشکل در روش موجود در این کمیسیون است که سبب شده تا ناظرین نتوانند از نزدیک پروسهٔ شمارش آرا را نظارت دقیق کنند.

آقای ایوب‌زاده هم‌چنان افزود، فضایی که در کمیسیون انتخابات برای نظارت ناظرین در نظر گرفته شده است، فضای مسلکی نیست.

رییس تیفا تصریح کرد: «ناظرین در روند نظارت از شمارش آرا تنها بیننده هستند و نمی‌توانند که نظارت مسلکی خود را انجام دهند تا از چالش‌ها و انکشاف‌هایی که صورت می‌گیرد، آگاهی داشته باشند.»

آقای ایوب‌زاده از کمیسیون انتخابات می‌خواهد تا فرصت‌های درست نظارتی را برای ناظران در نظر بگیرند تا روند شفافیت انتخابات زیر پرسش نرود.

نقش ناظرین در انتخابات ۱۶ حمل

نهادهای نظارت‌کننده از پروسهٔ انتخابات، نقش ناظرین را در این روند چشم‌گیر خوانده می‌گویند، حضور گستردهٔ ناظرین در انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای ولایتی سبب شد تا تقلب کمتر صورت گیرد.

فهمیم نعیمی سخنگوی بنیاد تیفا می‌گوید، در این انتخابات شمار زیادی از ناظرین و مشاهدین حضور داشتند و آن‌ها توانستند نقش پُر رنگی در فرایند انتخابات داشته باشند.

آقای نعیمی هم‌چنان گفت، در روند نظارت این انتخابات، هم از نظر کیفیت و هم کمیت نقش ناظران بسیار مثبت بوده است.

هم‌چنان، نعیم ایوب‌زاده رییس بنیاد تیفا نیز معتقد است که حضور ناظران در انتخابات ۱۶ حمل بستر خوبی را برای مشروعیت این انتخابات ایجاد کرد.

آقای ایوب‌زاده تصریح کرد، ناظران در انتخابات به متقلبان اجازه ندادند تا تقلب سازمان یافته‌یی را انجام دهند. او گفت که ناظران سبب حضور گستردهٔ مردم در پای صندوق‌های رای نیز شدند.

در مرکز شمارش آرا، نماینده‌گان نامزدان ریاست‌جمهوری، نماینده‌گان نهادهای نظارت‌کنندهٔ انتخابات، ژورنالیستان و شماری از مشاهدین بین‌المللی نیز حضور دارند و این روند را نظارت می‌کنند.

۴۰ درصد از واجدان رایدهی...

«آمار و ارقام احصاییه مرکزی و کمیسیون مستقل انتخابات این ولایت، نشان می‌دهد که سالانه تنها ۲۰۰۰ تن از کسانی که از سن ۱۷ سالگی به سن قانونی ۱۸ سالگی می‌رسند، واجد شرایط رای دهی شناخته می‌شوند. این افزایش ۲۰۰۰ نفری که در هر سال واجد شرایط رای دهی شده اند، باید به تعداد واجدین شرایط رای دهی در این ولایت، افزایش به عمل می‌آید و باید اشتراک مردم در انتخابات نسبت به انتخابات‌های گذشته بالا می‌رفت.

اما متأسفانه چنین نیست و اشتراک مردم کم و کم‌تر شده است. او به عنوان نمونه می‌گوید که در انتخابات دور اول (۱۳۸۲)، به تعداد ۵۰ هزار تن واجدین شرایط این ولایت، در انتخابات اشتراک کرده بودند و در دور دوم (۱۳۸۸) ۴۵ هزار و حالا (۱۶ حمل ۱۳۹۳) در حدود ۴۳ هزار تن در انتخابات شرکت کردند که نشان‌دهندهٔ کاهش اشتراک مردم در پروسهٔ انتخابات است.»

با توجه به برآورد بالا، به این نتیجه می‌رسیم که ۴۰ درصد شهروندان واجد شرایط رایدهی این ولایت، در انتخابات اشتراک نوریزیده اند.

حکومت با درجه‌بخشی ولایت‌ها عادلانه برخورد کند

ناحیه نوری

اعضای مجلس نماینده‌گان و مسوولان نهادهای مدنی، از حکومت افغانستان و به ویژه رییس‌جمهور کرزی می‌خواهند که دربارهٔ درجه‌بخشی به ولایت‌های کشور عادلانه اقدام کند.

این اظهارات پس از آن بیان می‌شود که حامد کرزی طی حکمی شماری از ولایت‌های جنوبی و شرقی کشور را بدون در نظر داشتن نفوس، مساحت و وضعیت اقتصادی آن‌ها، به ولایت‌های درجه اول و درجه دوم ارتقا بخشید.

بر اساس احکام جداگانهٔ ریاست‌جمهوری، ولایت هلمند از ولایت درجه دوم به ولایت درجه اول و ولایات پکتیکا، کندها و میدان وردک هر یک از درجه سوم به درجه دوم ارتقا یافتند.

این مساله به واکنش‌هایی مواجه شده است و برخی از آگاهان می‌گویند که حکومت هنوز هم دید کوچک قومی را بر مسایل کلان ملی ترجیح می‌دهد.

عزیز رفیعی رییس شبکه جامعهٔ مدنی، ضمن این که این اقدام حکومت را یک تصمیم یک‌جانبه می‌خواند می‌گوید: این عملکرد حکومت یک نوع باج‌گیری در یک زمان بسیار حساس انتخابات است. به گفته او باید حضور گسترده مردم در انتخابات یک درس بسیار حیرت‌انگیز برای اراکین سیاسی افغانستان می‌بود که نباید اراده سیاسی مردم را در بحث‌های منفعت‌طلبانه خود دخیل می‌ساختند. او می‌گوید که درجه‌بخشی نادرست به برخی ولایت‌ها نشان می‌دهد که حکومت هنوز هم دید قومی را بر همهٔ مسایل ملی ترجیح می‌دهد.

به گفتهٔ رییس شبکه جامعهٔ مدنی این اقدام پهلوی

سیاسی دارد و زمانی که انتخابات به دور دو برده شود، از این درجه‌بخشی به چند ولایت در مسایل انتخاباتی نهایت استفاده صورت می‌گیرد.

وی افزود: با این اقدام حکومت، زمانی که انتخابات به دور دوم برود، انقطاع قومی به وجود می‌آید و انتخابات به جای این که یک حرکت سیاسی باشد، به یک حرکت قومی تبدیل می‌شود.

رفیعی تصریح کرد: وقتی ولایتی که نباید به ولایت درجه اول ارتقا پیدا کند، به عنوان ولایت درجه اول اعلام می‌شود و امتیازات ولایت درجه اول را کسب می‌کند، بیشترین منابع ضایع می‌گردد و سبب ضایع شدن حق سایر ولایاتی که باید درجه اول باشند، می‌گردد.

او به عنوان نمونه گفت: ولسوالی رستاق ولایت تخار بیشتر از چهارصد و پنجاه هزار جمعیت دارد که نفوس آن بیشتر از چندین ولایت افغانستان است؛ اما یک ولسوالی است و ولایت آن هم از جمله ولایت درجه سوم است.

در همین حال دکتر محی‌الدین مهدی، عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: هلمند از جمله ولایات پرنفوس افغانستان است و تأسیسات اقتصادی و صنعتی در آن متمرکز می‌باشد؛ بنابراین می‌تواند در زمره ولایات درجه اول محسوب شود. اما ولایات میدان وردک، پکتیکا و چند ولایت دیگر که از درجه سوم به درجه دوم ارتقا یافته اند، هم از لحاظ نفوس و از لحاظ مساحت کم است و تأسیسات صنعتی هم در آنجا متمرکز نیست؛ بنابراین اهمیت ارتقا یابی را ندارد.

اما این عضو مجلس می‌گوید که حکومت و به خصوص شخص رییس‌جمهور، این بار نیز مانند

دفعات قبل، ملاحظاتی ستمی و قومی را ارجحیت داده و این ولایات را از درجه سوم به دوم ارتقا داده است. دکتر مهدی اضافه کرد: ما امیدوار استیم که رییس‌جمهور این احساس را داشته باشد که نمایندهٔ شمال و جنوب مردم افغانستان است و انکشاف متوازن همهٔ ولایات کشور را باید در نظر داشته باشد و عادلانه برخورد کند.

محمد نعیم والی هلمند گفته است که ولایت هلمند در سال‌های اخیر پیشرفت قابل ملاحظه‌یی نداشته و این خواست اساسی باشندگان این ولایت بوده که به هلمند توجه بیشتری صورت گیرد.

والی هلمند افزود: «امتیازات ولایت‌های درجه اول با درجه دوم از لحاظ بودجه همچنان از لحاظ تعداد کرسی‌های نماینده‌گان در پارلمان زیاد می‌شود و وکیل‌های شورای ولایتی هم زیاد می‌شوند، از لحاظ زراعت و از لحاظ معارف هم بسیار فرق می‌کند.»

او می‌گوید که در این بخش شورای وزیران نیز موافقت کرده و تنها مبدل‌شدن این ولایت به یک ولایت درجه اول، نیاز به تصویب شورای ملی دارد که به زودی مراحل باقی مانده آن نیز تکمیل خواهد شد.

به گفتهٔ والی ولایت هلمند، اکنون ولسوالی‌های نادعلی و ناوه به حیث ولسوالی‌های درجه اول، گرمسیر و گرشک از جمله ولسوالی‌های درجه دوم و مارجه و نومیش از جمله ولسوالی‌های درجه سوم این ولایت به شمار می‌رود.

اگر ارتقای این ولایت‌ها از طرف مجلس تایید شود تمام امکاناتی که به ولایت‌های کندهار، هرات، بلخ، ننگرهار و دیگر ولایت‌های درجه اول در نظر گرفته می‌شد به ولایت هلمند نیز تعلق می‌گیرد.



بی کاری به یک بحران بزرگ تبدیل می شود!



سالانه هزاران جوان از نهادهای تحصیلات عالی و نیمه عالی افغانستان فارغ می شوند، اما اکثرشان با بی کاری و فقر مواجه می شوند. مقامات می گویند اگر حالا برای این مشکل راه حلی پیدا نشود، چند سال بعد به بحران تبدیل می شود.

به گزارش دویچه وله، بی کاری مفرد و فقر مزمن لاقدر در قرن معاصر یکی از مشکلات دامن گیر جامعه افغانستان بوده و هنوز پس از سیزده سال کمک های میلیاردی جامعه جهانی، بی کاری و عدم اشتغال مردم، به خصوص جوانان تحصیل کرده این کشور را تهدید می کند.

محمد نعیم مهندس زاده، فارغ تحصیل از رشته برق در انستیتوت تکنالوژی افغان می گوید که چندین ماه است فارغ شده، اما تا کنون کاری نتوانسته است پیدا کند.

او در مورد آینده شغلی اش با توجه به سطح تحصیلاتی که دارد نگران است: «ما در بخش های پایین کار کرده می توانیم، ولی در بخش های بالا چون نظارت کننده، دیزاینر و کارهای درست کار کرده نمی توانیم. سطح بیکاری در افغانستان بسیار زیاد است و تقاضا زیاد است. جذب خیلی کم است و در وزارت خانه ها نیز یک سیستم درست وجود ندارد که به فارغ تحصیلان اولویت استخدام داده شود».

او از منابع مسوول می خواهد که در صورتی که شغلی مناسبی فراهم نمی گردد، زمینه های ادامه تحصیل در سطوح بالاتر را فراهم سازند. لینا یک دختر تحصیل کرده مقیم کابل که سند فراغت از یکی از دانشگاه های دولتی افغانستان دارد می گوید که همچنان بیکار است. وی شاکی است که ماهها است که دنبال کار است، اما تا کنون هیچ منبعی در خواست های کاریابی او پاسخی نداده است.

وی می افزاید: «من هنوز کار ندارم. از دولت می خواهم وقتی که این همه محصل را فارغ می کنند، زمینه کار برای شان فراهم کند تا بتوانیم به خود و کشور خود خدمت کنیم».

قربان حقجو، رییس هیات عامل اطاق های تجارت افغانستان می گوید که افغانستان فرصت های وسیعی برای کار آفرینی در اختیار دارد، اما این فرصت های باید درست شناسایی شده و عملی شوند. وی می افزاید که افغانستان دارای زمین، ساختار نظام سیاسی اقتصاد محور، نیروی بشری وافر ولی غیر ماهر است، تنها آنچه در این میان کم است سرمایه است که می شود این خلاء را تا حدودی با کمک های جهانی پر ساخت.

آقای حقجو در حالی که از افزایش بی کاری نگرانی است، از موجودیت صدها کارگر خارجی در کشور نیز ناراضی به نظر می رسد: «دلیل این که امروز بیش از ۱۲۰ هزار نیروی کار خارجی در کشور ما در بخش های بسیار پیش پا افتاده و غیر مسلکی کار می کنند این است که ما نیروی مسلکی فعال نداریم، بنا به ارقام احصایه مرکزی ۳۵ تا ۴۰ درصد بی کاری در افغانستان، افراد بی کاری اند که مسلکی را نمی دانند».

به گفته حقجو، افراد تحصیل کرده و مسلکی که چیزی را می دانند در افغانستان بی کار نیستند؛ بلکه بی کار کسانی اند که هیچ مهارتی ندارند. وی می گوید که اطاق های تجارت به همکاری سایر نهادهای همکار با حکومت افغانستان در تماس است تا یک صندوق قرضه برای خورده متبشنان فراهم گردد.

اما واقعیت چیز دیگری را نشان می دهد. هر سال با فارغ شدن هزاران جوان تحصیل کرده از دانشگاه های مختلف در افغانستان، تنها شمار اندکی از آنان به کار گماشته می شوند و شمار تحصیل کرده های بی کار در این کشور هر سال افزایش می یابد.

قشر دیگری هم که از خارج کشور و مهاجرت برمی گردند نیز بر این افراد افزوده می شوند. به باور کارشناسان با راه اندازی دوره های آموزش حرفه و فن حکومت افغانستان می تواند از طریق هر فرد مسلکی در این کشور ۴ تا ۱۰ جای کار ایجاد کند.

قربان حقجو، رییس هیات عامل اطاق های تجارت افغانستان می گوید که افغانستان فرصت های وسیعی برای کار آفرینی در اختیار دارد، اما این فرصت های باید درست شناسایی شده و عملی شوند. وی می افزاید که افغانستان دارای زمین، ساختار نظام سیاسی اقتصاد محور، نیروی بشری وافر ولی غیر ماهر است، تنها آنچه در این میان کم است سرمایه است که می شود این خلاء را تا حدودی با کمک های جهانی پر ساخت.

آقای حقجو در حالی که از افزایش بی کاری نگرانی است، از موجودیت صدها کارگر خارجی در کشور نیز ناراضی به نظر می رسد: «دلیل این که امروز بیش از ۱۲۰ هزار نیروی کار خارجی در کشور ما در بخش های بسیار پیش پا افتاده و غیر مسلکی کار می کنند این است که ما نیروی مسلکی فعال نداریم، بنا به ارقام احصایه مرکزی ۳۵ تا ۴۰ درصد بی کاری در افغانستان، افراد بی کاری اند که مسلکی را نمی دانند».

به گفته حقجو، افراد تحصیل کرده و مسلکی که چیزی را می دانند در افغانستان بی کار نیستند؛ بلکه بی کار کسانی اند که هیچ مهارتی ندارند. وی می گوید که اطاق های تجارت به همکاری سایر نهادهای همکار با حکومت افغانستان در تماس است تا یک صندوق قرضه برای خورده متبشنان فراهم گردد.

اما واقعیت چیز دیگری را نشان می دهد. هر سال با فارغ شدن هزاران جوان تحصیل کرده از دانشگاه های مختلف در افغانستان، تنها شمار اندکی از آنان به کار گماشته می شوند و شمار تحصیل کرده های بی کار در این کشور هر سال افزایش می یابد.

قشر دیگری هم که از خارج کشور و مهاجرت برمی گردند نیز بر این افراد افزوده می شوند. به باور کارشناسان با راه اندازی دوره های آموزش حرفه و فن حکومت افغانستان می تواند از طریق هر فرد مسلکی در این کشور ۴ تا ۱۰ جای کار ایجاد کند.

پاکستان راتلونگی ولسمشر...

((زه به دې باور یم چې دا ډول غوښتنو او غړونو ته به حکومت او په ځانگړې ډول استخبارات غور و نه نیسي، دا ډول غوښتنې به هېڅکله هم په عمل کې پلې نشي، ځکه اصلي واک له ای اېس ای سره دی. هغوی نه غواړي. دا غوښتنې به په راتلونکې د پارلمان له لوري نورې هم ډېرې شي، هغه ډول چې موږ په خپل پارلمان کې چغې و هو چې له امریکا سره دې امنیتي تړون لاسلیک شي، نېې اړیکې دې ورسره جوړې شي؛ خو نه جوړېږي.))

په همدې حال کې د سیاسي چارو شننونکي او د کابل پوهنتون استاد محمداسحاق اتمر ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې ویل، چې له وسله والو ډلو د پاکستان د لاس اخیستو په اړه د پاکستانیو سناتورانو خبرې تر ډېره د افغانستان په راتلونکي ولسمشر او د پاکستانیو او افغانیو طالبانو د خپل منځیو اختلافونو پورې اړه لري.

ده ویل، په دې وروستیو کې د پاکستانیو، افغانیو طالبانو او حقاني شبکې ترمنځ ډېرې ستونزې را منځ ته شوي، چې د حکیم الله مسعود او سراج الدین حقاني وژنه هم د دې اختلافاتو له امله وه.

هغه زیاته کړه، پاکستان په اداري لحاظ لېواله دی، چې یوشمېر ترهگرې او وسله والې ډلې په خپل کنټرول کې ولري، خو په دې وروستیو کې یوشمېر وسله والې ډلې دومره پیاوړې شوي دي، چې د ای اېس ای له اطاعت سره غړوي.

د استاد اتمر په وینا، د ترهگرو ډلو دومره پیاوړي کول خپله د پاکستان په زیان هم دي: ((ځینې ډلې اوس ډېرې پیاوړې شوي دي، چې د ای اېس ای له اطاعت سره غړوي. لکه افغانیو طالبان

وزیر تحصیلات عالی فرا...

این مشکلات شد. سنگین افزود: برخی از دانشجویان که در آزمون کنکور رتبه خوبی آورده اند در موسسات نیمه عالی دولتی که در مناطق نامن افغانستان قرار دارند، جذب شده اند و توانایی ادامه تحصیل در این مناطق را ندارند.

این عضو مجلس نماینده گان این روند را انجام نوعی ظلم به حق این دانشجویان تلقی کرد. وی از مقام های وزارت تحصیلات عالی خواست تا هر چه زودتر به این مشکل پایان دهند و دانشجویان را بر اساس توانایی آنها در دانشگاهها جذب کنند.

عبدالودود پیمان عضو دیگر مجلس نماینده گان نیز با انتقاد از این روند پذیرش دانشجویان، گفت

یوشمېر له افغان حکومت سره خبرو ته لېواله دي، بله ډله يې له خبرو سره مخالفت كوي، بله ډله يې دفتر غواړي او ځينې نور يې بيا په جگړې زور راوړي.))

د سياسي چارو دغه شننونکي زياتوي، د پاکستانیو سناتورانو دغه ډول غوښتنې تر ډېره له همدې مخالفتونو سره تړلي دي او غواړي چې افغانی طالبان کمزوري کړي: ((کېدای شي پاکستان اوس درک کړي هم وي، چې د افغانستان امنیت د پاکستان امنیت دی او د افغانستان نا امنی د پاکستان نا امنی ده. خپله پاکستان هم اوس د ترهگری قرباني دی، چې خلک یې ترې په تنگ شوي دي.))

نوموړی وايي، د افغانی طالبانو دومره پیاوړي کېدل اوس خپله د پاکستان او افغانستان لپاره هم زیان دی او کله چې د پاکستان د لاس اېزار دومره پیاوړي شي چې خپله پاکستان ته هم گواښ پېښ کړي؛ نو بیا د دغه ډول اېزارو ژوندي پاتې کېدل ورته مهم نه دي.

ښاغلی محمداسحاق اتمر ویل، دا چې په افغانستان کې نوی تحول رامنځته کېدونکی دی او اوسنی ولسمشر به د نوي ولسمشر لپاره خپل ځای پرېږدي، چې نوی ولسمشر به د پاکستان پر وړاندې نوې ستراتیژي او پالیسي غوره کړي.

د هغه په خبره، د دې لپاره چې نوی ولسمشر له نوې پالیسي سره راځي؛ نو پاکستان غواړي یو زرغون څراغ ورکړي، هم نړۍ والو او هم افغان حکومت ته چې دوی د ترهگری ضد دي؛ خو په دې باور دی چې دا به د ترهگری ضد کار نه بلکې د افغانستان پر وړاندې د پاکستان نوې پالیسي وي.

که مقام های وزارت تحصیلات عالی افغانستان وظایف خود را بدرستی انجام نمی دهند و از آن شانه خالی می کنند.

نتایج آزمون کنکور افغانستان چند روز پیش به طور رسمی از سوی وزارت تحصیلات عالی کشور اعلام شد.

در این آزمون بیش از 220 هزار داوطلب شرکت کردند که 120 هزار نفر به دانشگاه های عالی و نیمه عالی دولتی افغانستان راه یافتند اما مابقی داوطلبان بی نتیجه باقی ماندند.

نظیفه ذکی عضو دیگر مجلس نماینده گان ضمن بررسی مشکلات دانشجویان تازه وارد به دانشگاه های کشور، خواستار فراخوان وزیر تحصیلات عالی افغانستان به مجلس شد.

این عضو مجلس نماینده گان همچنین از هیأت اداری این مجلس خواست تا هر چه زودتر قانون تحصیلات عالی این کشور را تصویب کند.



محبوب ترین گزینه برای هدایت بارسلونا



خواهان ماندن تاتا مارتینو در بارسلونا بودند. محبوب ترین گزینه برای هدایت بارسلونا در این نظرسنجی گزینه های دیگری هم وجود داشتند که این افراد به ترتیب ارنستو والورده، سرمربی والنسیا با ۶ درصد، میشل لادروپ (سرمربی اسپانیایی پیشین سوانزی) با ۴٫۸ درصد، فرانک دی بوئر (سرمربی هلندی آژاکس) با ۳٫۶ درصد و روبرتو مارتینس (سرمربی اسپانیایی اورتون) با ۳٫۵ درصد آرای کاربران به عنوان بهترین گزینه ها برای هدایت بارسلونا در فصل آینده معرفی شده اند.

صرف نظر از پپ گواردیولا، یورگن کلوپ در میان سایر گزینه ها تجربه بیشتری برای هدایت بارسلونا دارد. او فصل پیش یکی از گزینه های اصلی رئال مادرید برای پر کردن جای ژوزه مورینیو بود اما در نهایت کارلو آنچلوتی به عنوان سرمربی کهبشانی ها انتخاب شد. کلوپ تا ماه ژوئن سال ۲۰۱۶ با دورتموند قرارداد دارد.

در نظرسنجی یک نشریه اسپانیایی محبوب ترین گزینه هواداران بارسلونا برای گرفتن جای خرابدو مارتینو روی نیمکت آبی واناری پوشان مشخص شد.

نشریه مارکا چاپ مادرید با استناد به نتایج یک نظرسنجی از کاربران سایت اینترنتی خود، یورگن کلوپ، سرمربی تیم بورسیا دورتموند آلمان را به عنوان محبوب ترین گزینه برای هدایت بارسلونا در فصل آینده معرفی کرد.

ناکامی های پی در پی بارسلونا در سال ۲۰۱۴ که دست این تیم را از همه جام های این فصل کوتاه کرده است، شمارش معکوس را برای برکناری خرابدو مارتینو، سرمربی آرژانتینی آبی واناری پوشان کاتالونیا آغاز کرده است و طبق نظرسنجی نشریه مارکا، کلوپ که دو قهرمانی پی در پی در بوندس لیگا (سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲) را برای بورسیا دورتموند به ارمغان آورد و این تیم را فصل گذشته به فینال لیگ قهرمانان اروپا رساند، بهترین گزینه برای گرفتن جای مارتینو است.

در نظرسنجی مارکا، کلوپ از سوی ۳۱٫۳ درصد کاربران سایت مارکا به عنوان بهترین گزینه هدایت بارسا در فصل آینده انتخاب شده است. این در حالی است که ۲۱٫۴ درصد از کاربران معتقد بودند، پپ گواردیولا، سرمربی پیشین کاتالان ها که اکنون هدایت بایرن مونیخ را بر عهده دارد باید به نیوکمپ برگردد. لوئیس انریکه، سرمربی پیشین تیم بارسلونا B با ۱۶ درصد آرای شرکت کنندگان در این نظرسنجی سومین گزینه است و در کمال تعجب ۱۳٫۴ درصد کاربران هم

مارتینو: مسی از بارسلونا جدا نمی شود



می کند تمام چیزهای مربوط به قراردادش را از یاد می برد و تنها روی فوتبالش تمرکز می کند. این حرف و حدیث ها درباره آینده مسی از کجا نشات می گیرد. مسی ۱۳ سال است که در بارسلونا حضور دارد و و آینده اش هم در این تیم خواهد بود.

سرمربی آرژانتینی بارسلونا در ادامه به اخباری که در خصوص جدایی او از بارسلونا در پایان فصل منتشر شده اشاره و از تأیید این موضوع خودداری کرد اما اذعان داشت که کارنامه اش را در این فصل نمی توان رضایت بخش دانست. مارتینو ادامه داد: من نگفتم که تصمیمی به رفتن گرفته ام بلکه گفتم نتایج چیزی را درباره توافقاتی که در مورد قرارداد با بارسلونا داشته ام عوض نمی کند. باید به مدیران باشگاه صحبت کنم و به خاطر نتایج اخیر به همه جواب پس بدهم. هرگز از عملکردم راضی نبوده ام. وقتی نتیجه نمی گیرید، هیچ کسی راضی نیست به خصوص اگر تیم ناکامی تیمی در حد و اندازه بارسلونا باشد. بارسلونا در ۲ تورنمنت دیگر شانس برای قهرمانی ندارد و در یک تورنمنت باقی مانده هم شانسش نصفه و نیمه است. این یعنی که من نمی توانم از عملکردم راضی باشم.

سرمربی آرژانتینی تیم فوتبال بارسلونا با ابراز ناراضیاتی از کارنامه خود در اولین فصل حضورش در نیوکمپ شایعاتی که درباره رفتن مسی از بارسا وجود دارد را تکذیب کرد.

شکست های اخیر بارسلونا در لیگ قهرمانان اروپا، لالیگا و جام حذفی اسپانیا سبب شده حرف و حدیث هایی درباره فرار رسیدن پایان دوران درخشش لیونل مسی در این تیم به وجود آید اما خرابدو مارتینو، سرمربی آرژانتینی کاتالان ها آینده هموطنش را در جایی غیر از نیوکمپ نمی بیند.

تاتا مارتینو در تکذیب شایعاتی که از جدایی قریب الوقوع مسی ۲۶ ساله از آبی و اناری ها وجود دارد، گفت: من به طور منظم با بازیکنانم حرف می زنم اما هرگز با هیچ یک از آنها گفت و گوی ویژه ای نداشته ام.

در مورد لئو هم این موضوع صدق می کند. ۹۹ درصد دنیا تعجب می کنند وقتی برخی افراد درباره آینده مسی حرف می زنند. برخی حرف ها زده شده که به مغز من هم خطور نکرده است.

وی افزود: به نظرم هیچ کدام از اتفاقاتی که رخ داده نمی تواند روی تصمیم مسی برای ماندن در بارسلونا تأثیر بگذارد چون وقتی بازیکنی مانند او اینگونه بازی

Mandegar

آرای صدها صندوق رأی بازشماری و بازرسی می‌شود

بازرسی چه تعداد آرا ابطال شده است. در همین حال، خبرنگار بی‌بی‌سی از ولایت جنوبی قندهار گزارش داده که آرای ۹۹ مرکز رأی‌گیری در این ولایت قرنطینه شده است.

پیشتر کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی گفته بود که با بررسی شکایت‌های انتخاباتی، آرای مشکوک انتخابات ریاست جمهوری قرنطینه می‌شود.

صندوق آرای انتخابات هر ولایت در مرکز همان ولایت است، اما برگه‌های نتایج انتخابات به دفتر مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات در کابل فرستاده می‌شود.

آقای نور گفت که نتایج ۵۹۷۲ مرکز رأی‌گیری دریافت شده و از آن جمله نتایج بیش از ۷۰ درصد آرا در بانک اطلاعات ذخیره شده است.

سخنگوی کمیسیون انتخابات تاکید کرد که روند بازشماری و بازرسی آرای انتخابات در حضور ناظران انتخاباتی صورت می‌گیرد.

قرار است نتایج اولیه انتخابات ریاست جمهوری در روز چهارم ثور اعلام شود و نتایج نهایی بیست روز بعد اعلام خواهد شد.

همزمان با شمارش نتایج انتخابات، روند رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی هم از سوی کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی به پیش برده می‌شود.

مسئولان این کمیسیون گفته‌اند که صدها شکایتی دریافت کرده‌اند که اگر اثبات شوند، می‌توانند بر وضعیت آرا اثر بگذارند.

کمیسیون مستقل انتخابات گفته که آرای حدود ۵۰۰ محل رأی‌گیری انتخابات ریاست جمهوری بازشماری شده و آرای بیش از هزار محل دیگر در دست بازرسی است.

نورمحمد نور، سخنگوی این کمیسیون به بی‌بی‌سی گفت که بازشماری و بازرسی صندوق‌های رأی به هدف شفاف‌سازی آرای انتخابات شانزدهم حمل صورت می‌گیرد.

در هر محل یک صندوق رأی انتخابات ریاست جمهوری و یک صندوق انتخابات شورای ولایتی بوده ولی شمار دقیق آرای این صندوق‌ها مشخص نیست، اما به گفته آقای نور، در هر صندوق حدود شصصد برگه رأی وجود دارد.

آرای بازشماری شده مربوط به ۳۱ ولایت می‌شود و آرای بازرسی می‌شوند، مربوط همه ۳۴ ولایت است، اما مسئولان کمیسیون انتخابات نمی‌گویند که تا حال در نتیجه این بازشماری و



۴۰ درصد از واجدان رایدهی ولایت پنجشیر در انتخابات اشتراک نکرده‌اند

فرهاد سجودی

چهل درصد از واجدین شرایط رأی‌دهی در ولایت پنجشیر در انتخابات اشتراک نکرده‌اند.

نامزدان شورای ولایتی این ولایت، نسبت به عدم اشتراک گسترده مردم در انتخابات (۱۶ حمل ۱۳۹۳) دلایل مختلفی را عنوان می‌کنند.

سید شریف سجاد عالمی، یکی از این نامزدان، معتقد است که مردم ولایت پنجشیر به ویژه باشندگان ولسوالی‌های دور دست، از پروسه انتخابات آگاهی درست نداشته‌اند.

وی افزود: در ولسوالی دره، مناطقی هستند که واجدین شرایط رأی‌دهی کارت نداشتند.

آقای عالمی تصریح کرد: به عنوان نمونه در سه محله در ولسوالی «دره» (پوزاوه، استوخی، سخ و ...) مردم از انتخابات و رأی‌دهی آگاهی درست نداشتند و کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات، به آن مناطق نرفته بودند. درحالی که آنها وظیفه داشتند درباره اهمیت انتخابات به مردم آگاهی بدهند.

فهمید فطرت، نامزد دیگری است که اشتراک مردم این ولایت را در انتخابات می‌ستاید و اما دلیل اشتراک کم‌رنگ مردم را در این انتخابات، دوری راه و عدم تبلیغات درست کمیسیون انتخابات به‌ویژه بخش آگاهی‌دهی این کمیسیون می‌پندارد. آقای فطرت تصریح کرد که اگر آگاهی درست و همه‌جانبه از سوی کمیسیون مستقل انتخابات صورت می‌گرفت، همه مردم ما با علاقه فراوان به پای صندوق‌های رأی می‌رفتند و رأی‌شان را استعمال می‌کردند.

اما عبدالصمد بهادری، نامزد دیگر شورای ولایتی ولایت پنجشیر، حضور مردم را نسبت به دوره‌های پیش بیشتر می‌داند و می‌گوید: «مردم ولسوالی آبشار، مرد و زن اکثراً در انتخابات اشتراک ورزیده بودند و تنها دوری راه و خرابی هوا، از چالش‌های فرا راه اشتراک مردم در روز انتخابات بود که مانع اشتراک عده از هم‌وطنان ما شد.»

هم‌چنان، مولوی عبدالکریم عباسی، نامزد دیگری است که کمیسیون مستقل انتخابات ولایت پنجشیر را به کم‌کاری متهم می‌کند.

او می‌افزاید: «مردم مناطق دوردست ولسوالی پریان اصلاً کارت رأی‌دهی نگرفته‌اند و از جمله ساکنان دو منطقه به نام های تُل و بالا چمار، کارت ثبت نام به‌دست نیاورده بودند و کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات هم به خاطر ثبت نام مردم به آن ساحات نرفته بودند و مرکز ثبت نام وجود نداشت.»

در این حال، نازو نیسان، فعال جامعه مدنی در ولایت پنجشیر، ضمن این‌که اشتراک مردم را در انتخابات می‌ستاید، حضور زن‌ها در برخی از ولسوالی‌ها به ویژه ولسوالی شُتل ولایت پنجشیر را پُر رنگ می‌خواند. او اما در عین زمان از قریه‌های «ارزوه» و «چیلانک» نام می‌برد که مردم آن مناطق نه آگاهی درست از انتخابات داشته‌اند و نه هم کارت رأی‌دهی را به‌دست آورده‌اند.

هم‌چنان، شهید آقا نوری، مسوول جامعه مدنی ولایت پنجشیر، نیز کمیسیون مستقل انتخابات را به سهل‌انگاری



متهم می‌کند و می‌گوید: «این کمیسیون بدون نظر داشت علاقه‌مندی، نفوس، کوهستانی بودن و دوری راه و ... در این ولایت، محل‌های راهی دهی را کم ساخته بود. او می‌گوید: مثلاً در انتخابات دور گذشته، در منطقه پُژغور این ولایت ۸ سایت راهی فعال وجود داشت که در این انتخابات به ۲ سایت تقلیل یافت و این سبب شد که اکثریت مردم این محل به‌خاطر دوری راه و مناسب نبودن آب و هوا، در انتخابات شرکت نکردند.»

شماری از آگاهان، علاوه بر این، عوامل دیگری را هم فرا راه اشتراک گسترده مردم در این ولایت می‌پندارند.

وکیل نور احمد حنفی، رییس پیشین کمیسیون مستقل انتخابات ولایت پنجشیر، به این باور است که مردم اکثراً نسبت به عمل‌کردهای گذشته کمیسیون انتخابات، دلسرد شده و دلیل کم علاقه بودن شان به انتخابات و سهم نرفتن‌شان در پروسه رأی‌دهی، همین بی‌باوری‌ها است. «جاوید راحل، رییس دفتر مقام ولایت پنجشیر، نیز می‌گوید که بی‌باوری مردم به پروسه انتخابات و کمیسیون مستقل انتخابات سبب شده که آنها به رأی دادن علاقه نداشته باشند. او می‌گوید: کارکرد کمیسیون مستقل انتخابات در دوره‌های پیش و تقلب گسترده در سطح کشور، باعث بی‌باوری مردم افغانستان و به ویژه مردم این ولایت نسبت به این پروسه شده است.

او افزود: عدم برنامه‌های درست نامزدان ریاست‌جمهوری و شورای ولایتی، عدم کمپاین درست و ... باعث شده که مردم این ولایت در انتخابات سهم گسترده نداشته باشند.

آقای راحل معتقد است که فعالیت یک عده از گروه‌های سیاسی غیر رسمی و سازمان‌های مخالف انتخابات، دلیل دیگری بر سهم نرفتن برخی جوانان در این پروسه شده است.

در همین حال، سید امین الله فضلی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات در ولایت پنجشیر، می‌گوید که از دور نخست انتخابات (سال ۱۳۸۲) تا حالا، در حدود ۲۵۰ هزار باشندة پنجشیر ثبت نام کرده و کارت اخذ کردند و ۳۵ هزار تن، در این انتخابات کارت رأی‌دهی به‌دست آورده‌اند.

آقای فضلی می‌افزاید:...

ادامه صفحه ۶

افتتاح کتابخانه‌ی در پاکستان به نام بن لادن



یک مدرسه علوم اسلامی ویژه بانوان در نزدیکی پایتخت پاکستان نام کتابخانه خود را کتابخانه «شهید اسامه بن لادن» گذاشت!

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، مولانا عبدالعزیز، مدیر این مدرسه علوم اسلامی خواهران گفته است که هدف از نامگذاری کتابخانه این مدرسه به نام اسامه بن لادن، گرامی نگاه داشتن یاد اوست که در ماه می ۲۰۱۱ در حمله نیروهای ویژه امریکایی جان خود را از دست داد.

به رغم اینکه نامگذاری این کتابخانه در پاکستان مورد توجه قرار گرفته اما در سال‌های اخیر دیگر نام بن لادن در پاکستان اعتبار گذشته را ندارد.

مردم پاکستان مدت‌هاست که از بابت خشونت‌های طالبان در این کشور خشمگین هستند و بن لادن نیز همواره قهرمانی برای گروه طالبان بوده است.

با این وجود بسیاری از مدارس مذهبی در پاکستان که اعتقادات افراط گرانه دارند نیز او را قهرمان می‌دانند.

از زمانی که مقامات پاکستان عملیات دستگیری اعضا و مقامات القاعده و خویشاوندان بن لادن را آغاز کرده‌اند مردم این کشور از نشان دادن تصویر وی می‌ترسند.

اقدام مولانا عبدالعزیز در نامگذاری کتابخانه مدرسه تحت مدیریت خود به نام بن لادن، نخستین اقدام در گرامی داشتن نام بن لادن پس از مدتی طولانی است و توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰